

راهی که باید پیمود:
تجدید گزارش دربارهٔ تطبیق قانون منع خشونت
علیه زن در افغانستان



© UNAMA/Freshte Kohstani



هئیت معاونت ملل متحد در افغانستان



کمیسیون عالی ملل متحد برای حقوق بشر

افغانستان، کابل، دسامبر ۲۰۱۳

TADJIKISTAN



راهی که باید پیمود:
تجدید گزارش دربارهٔ تطبیق قانون منع خشونت علیه زن
در افغانستان



هئیت معاونت ملل متحد در افغانستان



کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر

افغانستان، کابل، دسامبر ۲۰۱۳

فهرست

i.....	اصطلاحات
۱.....	۱. خلاصه گزارش
۱۰.....	۱.۱. توصیه ها
۱۴.....	۲. زمینه ۲۰۱۲-۲۰۱۳
۱۸.....	۳. میتودولوژی
۱۹.....	۳.۱. طی مراحل قانونی قضایای خشونت علیه زنان
۲۳.....	۴. یافته ها
۲۴.....	۴.۱. ثبت قضایا و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خائنوالان
۲۶.....	۴.۲. ثبت قضایا و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم
۲۸.....	۴.۳. ثبت و رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان از سوی پولیس ملی افغانستان
۲۹.....	۴.۴. هرات و کابل
۳۲.....	۵. گرایش ها
۳۲.....	۵.۱. پیشرفت نابرابر در ثبت و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن
۳۴.....	۵.۲. استفاده روز افزون از میانجیگری
۳۶.....	۵.۳. فرار از منزل و اقدام به زنا
۳۸.....	۵.۳.۱. مصوبه شماره ۵۲۷ ستره محکمه
۳۹.....	۵.۳.۲. رهنمود ۹۲/۲۰۲ لوی خائنوالی در پیوند با "فرار از منزل"
۴۱.....	۵.۴. زنان در ساختار پولیس
۴۱.....	۵.۵. چالش های اساسی
۴۲.....	۵.۵.۱. نبود کارمندان توانمند زن در صفوف پولیس
۴۲.....	۵.۵.۲. تاکید بر میانجیگری موارد نقض قانون منع خشونت علیه زن
۴۲.....	۵.۵.۳. عدم جمع آوری منظم اطلاعات
۴۳.....	۵.۵.۴. نگرش منفی نسبت به (یا عدم آگاهی از) قانون منع خشونت علیه زن

۵.۵.۵. آزادی گشت و گذار زنان و اتهامات "اقدام به زنا" ۴۴

۶. نتیجه گیری..... ۴۴

ضمیمه ۱: توصیه های یوناما در گزارشهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ آن و چگونگی تطبیق آنها ۴۵

ضمیمه ۲: سفارش های کمیته بین المللی رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اگست ۲۰۱۳..... ۵۳

اصطلاحات

بد دادن	دادن یک زن (برای ازدواج) بخاطر تلافی قتل یا دیگر جرایم
حد	مجازات که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده و الزامی می باشد. به قول مشهور هفت نوع جرم مستوجب مجازات حد می باشد مانند: زنا، سرقت، قذف، قطاع الطریقی، بغی، سکر و ارتداد.
جرگه	گردهمایی متنفذین راجع به یک موضوع مهم
محرم	شوهر و زن به یکدیگر و یا اقارب نزدیک دیگری که ازدواج با آنها مجاز نمی باشد.
پشتونوالی	قواعد نا نوشته و اخلاقی که توسط پشتونها رعایت میگردد.
شریعت	قواعد برگرفته شده از قرآن، سنت و آموزه های اسلامی.
تشکیل	ساختار استخدام و ارتباط کاری کارکنان در یک اداره.
تعزیر	مجازات که اندازه و کیفیت آن توسط حاکم تعیین میگردد.
زنا	مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت.

۱. خلاصه گزارش

من ۱۵ ساله بودم که در بدل ازدواج برادرم با خواهر شوهرم به ازدواج داده شدم. از همان روز اول شوهرم برابرم گفت که او بر خلاف میل اش با من ازدواج کرده؛ او مرا مرتب مورد خشونت از جمله لت و کوب و دشنام قرار میداد. در ۲۰۱۰ او با زن دیگری ازدواج کرد و مرا مجبور کرد که خانه را ترک کنم، اما از جانب دیگر خانواده من نیز مرا مجبور کرد به هر قیمت دوباره به خانه شوهرم برگردم. در ۲۰۱۱ شوهر و برادر شوهرم مرا بعد از لت و کوب زیاد به خانه ی پدرم آوردند و گفتند که آنها دیگر من را در خانه شان نمی مانند. من به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شکایت کردم؛ آنها مرا به خانه امن معرفی کرد؛ در خانه امن آنها برابرم یک وکیل مدافع تعیین کردند. قضیه من میانجیگری شد و شوهرم تعهد نامه کتبی به پولیس داد و گفت که دیگر بالای من خشونت نمی کند؛ من با او به خانه برگشتم. بعد از یکماه او دوباره به لت و کوب من شروع کرد. حتی او تلاش کرد که مرا بکشد، اما با مداخله همسایه ها من نجات یافتم. من مجبور بودم که باز هم خانه را ترک کنم. قضیه من سه بار توسط متنفذین محل، جرگه و شورا و ریاست امور زنان میانجیگری شده است. خانواده من نمی خواهد که من متوسل به اقدامات قانونی شوم چون آنها این امر را مطابق رسم پشتونوالی [قواعد اخلاقی نانوشته و سنتی که پشتونها از آنها مطابعت میکنند] ننگ میدانند و از جانب دیگر برادرم نیز باید همسرش را طلاق بدهد. من بسیار رنج کشیدم، من عدالت می خواهم؛ در غم هیچ چیز نیستم.^۱

ن. ۱. ک، سن ۲۴، از ولایت ننگرهار، نوامبر ۲۰۱۳

این گزارش^۲ تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط مقامات عدلی و قضایی افغانستان از اکتبر ۲۰۱۲ الی سپتامبر ۲۰۱۳ را به تصویر می کشد. این گزارش یافته های گزارش یوناما - هنوز راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن منتشره در دسامبر ۲۰۱۲ - و گزارش پیشتر از آن راجع به خشونت علیه زنان و دختران در افغانستان را به روز می سازد.^۳

^۱ مصاحبه یوناما با ن. ۱. ک ۱۹ نوامبر ۲۰۱۳، ولایت ننگرهار.

^۲ تمام منابع در این گزارش باید به عنوان رفرنس و ارجاع دادن به یک گزارش مشترک یوناما و کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر باشد.

^۳ به طور مثال مراجعه کنید به گزارش هنوز راه طولانی فراروی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، دسامبر ۲۰۱۲، در اینجا

<http://unama.unmissions.org/LinkClick.aspx?fileticket=DC-f00mul0A%3d&tabid=12254&language=en-US> قابل دسترس می باشد. همچنان مراجعه کنید به راه

گزارش حاضر بر اساس معلومات دریافتی از ۱۸ ولایت از جمله ۳۴ ولایت افغانستان تدوین یافته که روند ثبت و رسیدگی عدلی واقعات خشونت علیه زن توسط پولیس، خارنوالی و محاکم شهری را با ارائه "نمونه معرف" (representative sample) واقعات خشونت علیه زنان برجسته می سازد.

دولت افغانستان با وضع قانون منع خشونت علیه زن در اگست ۲۰۰۹ به تعهد خویش مطابق قانون اساسی مبنی بر تساوی جنسیتی در عرصه قانون گذاری تا حدی جامه عمل پوشاند.^۴ این سند تقنینی مهم برای اولین بار در افغانستان عمل خشونت علیه زن و رفتارهای سستی مضر به شمول ازدواجهای زیر سن، ازدواجهای اجباری، ممانعت از ازدواج، مجبور ساختن به خودسوزی و ۱۹ عمل دیگر به شمول تجاوز جنسی و لت و کوب را جرم انگاری نمود.^۵

طوالانی فراروی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، یوناما و کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، نوامبر ۲۰۱۱، قابل دسترس است در

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/A%20Long%20Way%20to%20Go%20-%20Implementation%20of%20EVAW%20law%20UNAMA%20Nov%2020211-Dari.pdf>، عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان، یوناما و کمیشنری عالی ملل متحد

برای حقوق بشر، دسامبر ۲۰۱۰، در اینجا قابل دسترس است

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/Harmful%20Traditional%20Practices%20and%20EVAW%20Law%20-%20Dari.pdf>؛ خاموشی خشونت است - به خشونت علیه زنان در افغانستان پایان دهید، یوناما و کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق

بشر، جولای ۲۰۰۹، قابل دسترس است در

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/vaw-dari.pdf>

^۲ به قانون منع خشونت علیه زن نافذ شده در اگست ۲۰۰۹ مراجعه کنید. ماده ۵ قانون مذکور ۲۲ عمل را فهرست کرده که ارتکاب آن جرم دانسته شده، مانند: تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و یا سایر مواد ضرر ناک؛ مجبور نمودن به خود سوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک، مجروح نمودن یا معلول نمودن، لت و کوب، خرید و فروش به منظور یا به بهانه ازدواج، بد دادن، نکاح اجباری، ممانعت از حق ازدواج و حق انتخاب زوج، نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر و تخویف؛ آزار و اذیت، انزوای اجباری، اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر، منع تصرف در ارث، منع تصرف اموال شخصی؛ ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری، ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم ماده ۸۶ قانون مدنی، و نفی قرابت. ماده ۲ قانون منع خشونت علیه زن، اهداف قانون را بازگو کرده است از قبیل "مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن" و "جلوگیری از خشونت علیه زن". قابل ذکر است که قانون منع خشونت علیه زن با ملزم ساختن صریح پولیس به ثبت شکایات خشونت علیه زن، رسیدگی به آنها طبق قانون، و مطلع ساختن وزارت امور زنان از اجراءات خویش در قبال آن شکایات وظیفه پولیس مبنی بر حمایت از مجنی علیهای خشونت علیه زن، حفاظت حقوق و آزادی های فردی، و کشف و تحقیق جرایم و مبارزه با آن را بیش از پیش مورد حمایت قرار داده است. قانون مذکور دولت افغانستان را ملزم میسازد تا اقدامات حمایتی و حفاظتی از قربانی را اتخاذ نماید. این قانون مکلفیت های خاص را برای هفت وزارت فهرست کرده است و تأسیس کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را تصریح نموده است. کمیسیون مذکور به تمام ۳۴ والی ولایت افغانستان مکتوبی را مبنی بر ایجاد کمیسیون های تابعه در ولایت را صادر نمود. ماده ۵ و ۲۶ قانون پولیس، ماده ۲۹ فقره (۲) قانون اجراءات جزایی موقت و مواد ۷ و ۱۳ قانون منع خشونت علیه زن را ملاحظه نمایید.

^۵ به پاورقی ۴ ماده ۵ قانون منع خشونت علیه زن مراجعه کنید.

همچنان قانون مذکور مجازات هایی را برای مرتکبین تصریح نموده است.^۶ دولت افغانستان بر طبق تعهدات بین المللی حقوق بشری خویش در معاهدات بین المللی^۷ مکلف است حق تساوی در برابر قانون و برخورداری مساویانه از حمایت های قانونی را برای زنان تأمین نماید و نیز باید مساعی لازمه را برای جلوگیری و رسیدگی به خشونت علیه زنان چه اینکه توسط نمایندگان دولت یا نهادهای خصوصی ارتکاب می یابد یا افراد، به خرج دهد.^۸

یوناما تأکید میکند که با در نظر داشت خشونت گسترده علیه زنان و مقاومت در برابر حقوق زنان در تمام سطوح جامعه در افغانستان، ارزیابی دوره ای پیشرفته در حصه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن که توسط دولت و همکاران بین المللی آن در چارچوکات حسابدهی دوجانبه توکیو^۹ برای ۲۰۱۲-۲۰۱۳ مورد تأکید قرار گرفته است، بسیار مهم می باشد. رفتارهای سنتی مضر و خشونت های گسترده علیه زنان و دختران از مدت های مدید آنها را از

^۶ همان، فصل سوم، جرایم مندرج مشخص مانند تجاوز جنسی در ماده ۱۷ قانون منع مذکور که برای تعیین جزاء به قانون جزاء استناد میکند. سایر اقدامات دولت جهت رسیدگی به خشونت علیه زنان شامل ایجاد کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن در جون ۲۰۱۰ و ایجاد کمیسیون های تابعه آن، تأسیس خانونالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در مارچ ۲۰۱۰، مقررۀ مراکز حمایتی زنان در سپتامبر ۲۰۱۱، مقررۀ مساعدت های حقوقی، فرمان ۴۵ ریاست جمهوری برای محو فساد، تأسیس واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در داخل پولیس ملی؛ و ایجاد ادارات جندر و حقوق بشر در تعدادی زیادی از وزارت خانه ها. در اپریل ۲۰۱۳ وزارت امور داخله دورنمای ۱۰ ساله برای پولیس ملی افغانستان ۱۳۹۲-۱۴۰۲ را نشر نمود. از جمله اهداف این برنامه افزایش پولیس زن در داخل پولیس ملی و وزارت امور داخله تا سقف ۱۰ درصد کل پرسونل هر دو نهاد در طی ده سال آینده (۲۰۲۳) می باشد. هدف دیگر دورنمای مذکور جلوگیری آزار مبتنی بر جندر کارمندان اناثیه آن وزارت می باشد. به جمهوری اسلامی افغانستان، دورنمای ۱۰ ساله پولیس ملی افغانستان ۱۳۹۲-۱۴۰۲ نگاه کنید. از اینجا قابل دسترس است: <http://moi.gov.af/fa/page/5718/5729>

^۷ دولت افغانستان به معاهدات بین المللی ذیل الحاق نموده است: کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛ کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده؛ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.

^۸ به توصیه عمومی کمیته سیدا شماره ۱۹ نشست یازدهم، ۱۹۹۲ که در اینجا <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/recommendations/recomm.htm> قابل دسترس است، مراجعه نمایید. همچنان به توصیه شماره ۳۰ آن کمیته سند CEDAW/C/GC/30 ملل متحد تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۳ که در اینجا قابل دسترس است.

<http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/CEDAW/GComments/CEDAW.C.CG.30.pdf> مراجعه نمایید. اعلامیه ۱۹۹۳ سند UN Doc. A/RES/48/104 مجمع عموم سازمان ملل متحد راجع به خشونت علیه زنان، ماده ۴ چهار آن چنین مشعر است: "در مطابقت با قوانین داخلی، به خرج دادن مساعی لازم جهت جلوگیری، تحقیق و مجازات اعمال خشونت علیه زنان چه این اعمال توسط دولت ارتکاب یافته باشد یا افراد".

^۹ به مکتوب شماره A/66/867-S/2012/532 مورخ ۹ جولای ۲۰۱۲ نمایندگان افغانستان و جاپان به ملل متحد که خطاب به سرمنش سازمان ملل متحد راجع به چارچوکات حسابدهی دوجانبه توکیو نوشته شده بود در ضمیمه ۲ نگاه کنید و در لینک ذیل نیز قابل دسترس است.

http://www.peacewomen.org/assets/file/SecurityCouncilMonitor/Reports/Afghanistan/unama_s_2012_532.pdf

اشتراک در امور عامه بازداشته و مانع شنیدن صدای آنها در تصمیم گیری ها و مذاکرات سیاسی و گفتمانهای صلح شده است. پیشرفت در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن می تواند در تحقق حقوق زنان برای اینکه آنها بتوانند نقش حیاتی و مهم در انکشاف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بازی کند، موثر می باشد.

به روز رسانی حاضر هم پیشرفتها و هم خلاهای مستمر را در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط ارگانهای عدلی و قضایی و نهادهای تطبیق قانون در یک دوره ۱۲ ماهه در ۱۶ ولایت بر علاوه ای ولایت های هرات و کابل دریافته است. ۱۰ در ۱۶ ولایت که یوناما آنها را منحص نمونه انتخاب نموده، پولیس و خانونالی ۶۵۰ واقعه خشونت علیه زنان را ثبت نموده اند که خانونالان در ۱۰۹ قضیه یا ۱۷ درصد این واقعات و محاکم در ۶۰ فیصله قانون منع خشونت علیه زن را تطبیق نموده اند ۱۱. در همین شانزده ولایت که سال گذشته (میزان ۱۳۹۰ - سنبه ۱۳۹۱) سروی در آنها اجراء شد، در کل ۴۷۰ واقعه خشونت علیه زنان به ثبت رسیده بود که در ۷۲ مورد یا ۱۵ درصد آن قانون منع خشونت علیه زن [توسط خانونالان] تطبیق گردیده بود و همینطور محاکم در ۵۲ فیصله آنها به کار بردند.

گزارش حاضر دریافته است که با وجود اینکه آمار قضایای ثبت شده ۲۸ درصد افزایش یافته است، اما تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در قضایای احاله شده به محکمه تنها دو درصد افزایش یافته است. در این سال محاکم در ۶۰ فیصله، قانون منع خشونت علیه زن را بکار بردند (۵۵ درصد دعوی هایی که با استناد به قانون مذکور به محاکم تقدیم گردیده اند) که در مقایسه با سال گذشته که در آن محاکم در ۵۲ فیصله (۷۲ درصد دعوی هایی که با استناد به قانون منع خشونت علیه زن به محاکم تقدیم گردیده بود) قانون منع خشونت علیه زن را تطبیق کرده بود، ۱۷ درصد کاهش در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در دوره حاضر را نشان

^{۱۰} شانزده ولایت که آماری مفصل از پولیس، خانونالی و محاکم در آن ولایات هم برای گزارش حاضر و هم برای گزارش ۲۰۱۲ حاصل گردید از قرار ذیل اند: بامیان، دایکندی، پروان، کاپیسا، ننگرهار، کنر، لغمان، جوزجان، سمنگان، بدخشان، خوست، پکتیا، پکتیکا، فراه، بادغیس و غور. به خاطر فقدان جمع آوری اطلاعات به طور نظام مند توسط ادارت ذیرط دولتی و ناامنی گسترده که دسترسی به بعضی مناطق را محدود می کرد، این گزارش بر اساس معلومات با جزئیات بیشتر از همین شانزده ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان تهیه گردیده است. در نمونه آماری یوناما از ۱۶ ولایت که گزارش سال ۲۰۱۲ و گزارش حاضر آنها پوشش داده است کابل و هرات از آن حذف گردید چون در این دو ولایت قانون منع خشونت در سطح بالای تطبیق گردیده و بازگو کننده یک روند متفاوت [از سایر ولایات] می باشد. هرات و کابل به طور جداگانه در ذیل در صفحه ۳۰ مورد مطالعه قرار گرفته است. شانزده ولایت باقی مانده که یوناما نتوانست معلومات مفصل از آنها به دلیل ناامنی و فقدان جمع آوری اطلاعات به طور نظام مند یا هردو جمع آوری کند عبارت اند از: بلخ، بغلان، فاریاب، غزنی، هلمند، کندهار، کندوز، لوگر، میدان وردک، نیمروز، نورستان، پنجشیر، سری پل، تخار، ارزگان و زابل.

^{۱۱} به پاورقی شماره ۴ در فوق، ماده ۲۳ قانون منع خشونت علیه زن نگاه کنید.

میدهد. این جای نگرانی است که علی رغم افزایش آمار واقعات گزارش شده، تعداد کل قضایای جزایی خشونت علیه زنان که در این سال توسط خارنوالان براساس قوانین نافذه به محاکم احاله گردیده است، کاهش یافته است.

بر اساس این یافته ها در طی سالها، یوناما مشاهده نموده است که تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، خصوصا از طریق تعقیب جزایی، توسط خارنوالان و محاکم برای رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان به موازات افزایش ثبت این قضایا توسط پولیس و خارنوالان افزایش نیافته است. این نشاندهنده نبود منابع کافی در خارنوالی ها و محاکم برای حفظ مطابقت نرخ افزایش [تطبیق قانون مذکور] با شکایات ثبت شده می باشد که در نتیجه قضایای بیشتری در خارج از روند قضایی میانجیگری می گردد و یا اینکه خارنوالی ها و محاکم تصامیم عمدی برای حل قضایا از طریق میانجیگری اتخاذ نموده و قضایای کمتری را به محاکم ارسال کنند.

یوناما تأکید میدارد که در حالیکه تغییرات در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن دارد اتفاق می افتد، ارزیابی دقیق نتایج کاربرد قانون منع خشونت علیه زن برای زنان افغانستان بدون یک سیستم بهینه شده برای جمع آوری معلومات جهت پیگیری و تحلیل واقعات خشونت علیه زنان از گزارش دهی تا حل این واقعات توسط پولیس، خارنوالی و محاکم، مشکل می باشد.

افزایش ۲۸ درصد در مجموع شکایات ثبت شده مرتبط به قانون منع خشونت علیه زن توسط مقامات دولتی - ۶۵۰ در ۱۶ ولایت - امیدوار کننده است. اما این افزایش باید در مقایسه به ۱۰۱۹ مورد خشونت علیه زن که در ریاست های امور زنان در ۱۵ ولایت از جمله این ۱۶ ولایت^{۱۲} در همین دوره (اکتبر ۲۰۱۲ الی سپتامبر ۲۰۱۳) ثبت گردیده است، ارزیابی گردد؛ ریاست های امور زنان ۱۰۱۹ واقعه ثبت نموده اند در حالیکه پولیس و خارنوالی توأم ۶۵۰ واقعه ثبت نموده اند^{۱۳}. این خلاء نشان میدهد که بسیاری زنان افغان و خانواده هایشان هنوز مایل نیستند به پولیس و خارنوالی مراجعه کرده و شکایات شانرا درج کنند.^{۱۴}

^{۱۲} تمام ۳۴ ولایت افغانستان دارای ریاست امور زنان می باشد. ریاست امور زنان به وزارت امور زنان گزارش دهی دارد. مطابق به قانون منع خشونت علیه زن، ریاست های امور زنان برای زنانی که قضایای خشونت علیه شانرا گزارش میدهند، اولین مرجع برای مراجعه اند.

^{۱۳} معلومات از ریاست های امور زنان از ۱۵ ولایت از جمله شانزده ولایت که در این گزارش پوشش داده شده اند جمع آوری گردید و آمارهای آن مربوط مدت دوره گزارش حاضر می باشد. برای یوناما معلوم نگردید که آیا واقعات خشونت علیه زن که توسط ریاست های امور زنان ثبت گردیده اند و واقعات خشونت علیه زن که توسط پولیس و خارنوالی ها در این ۱۵ ولایت ثبت گردیده اند عین واقعات بودند، تا حدی مشترک بوند یا کاملاً متفاوت.

^{۱۴} در قوانین افغانستان، گزارش دهی قضایای فامیلی به ارگانهای تنفیذ قانون از صلاحیت متضرر می باشد. ریاست های امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر تنها به رضایت شاکی میتوانند این گونه قضایا را به پولیس یا خارنوالی ارجاع کنند.

ملاحظه دیگر اینست که در مقایسه بزرگتر ۱۰۱۹ (۶۵۰+۱۰۱۹) واقعه ثبت شده خشونت علیه زنان در ریاست های امور زنان و پولیس در ولایت های مربوطه، تنها ۱۰۹ قضیه (۷ درصد) با استناد به قانون منع خشونت علیه زن از مجرای قضایی رسیدگی شده اند. این نشان میدهد که تطبیق قانون منع خشونت علیه زن جهت تعقیب و محاکمه مرتکبین خشونت علیه زنان در این ۱۶ ولایت در دوره تحت گزارش حاضر در سطح پائین باقی مانده است.

در مقایسه با سایر ولایت در هرات یوناما افزایش نسبی در نرخ گزارش واقعات خشونت علیه زنان و به تبع آن تطبیق فعالانه قانون منع خشونت علیه زن را مشاهده نموده است. اما با آنهم یوناما کاهش اندک را در قسمت ثبت، تعقیب عدلی و محکومیت قضایای خشونت علیه زنان در هرات در دوره گزارش حاضر ملاحظه نموده است. این درحالیست که ریاست امور زنان آن ولایت همچنان قضایای بیشتری را نسبت به سایر ولایات ثبت نموده است. پولیس و خارنوالی توأماً ۴۰۵ واقعه خشونت علیه زنان را ثبت نموده اند که در مقایسه به دوره گذشته که در آن ۴۳۲ واقعه به ثبت رسیده بود کاهش اندک (۷ درصد) را نشان میدهد. ۴۲ درصد آن (۱۷۲) واقعه از جمله ۴۰۵ واقعه به محکمه احاله گردیدند - که البته نسبت به دوره قبل کاهش را نشان می دهد. بسیاری دیگری از آن واقعات از طریق میانجیگری های مستقیم یا غیرمستقیم حل و فصل گردیدند.

در ولایت کابل، با وجود اینکه در تعداد کل واقعات خشونت علیه زنان که در خارنوالی به ثبت رسیده نسبت به دوره قبل افزایش رخ داده است، اما تعداد قضایایی که به محکمه بر اساس قانون منع خشونت علیه زن احاله گردیده است تغییر نکرده است. در دوره گزارش حاضر پولیس در کابل ۲۲۵ واقعه خشونت علیه زن را ثبت نموده است که از آن جمله ۸۴ قضیه (۳۳ درصد) آنرا به خارنوالی راجع نموده است. خارنوالی در کابل ۹۶۸ واقعه خشونت علیه زنان را ثبت نموده است که از آن جمله ۲۰۵ قضیه (۲۱ درصد) آنرا به محاکم احاله نموده است. این الگو نشان میدهد که زنان بیشتری به خارنوالی مراجعه میکنند تا شکایات شان را ثبت کنند اما آمار قضایایی که از طریق فرایند عدلی و قضایی حل و فصل می شوند تغییر نکرده، طوریکه در گزارش یکساله قبلی نیز دریافت گردیده بود.

در پاورقی فوق شماره ۴ ماده ۳۹ که مشعر است: "رسیدگی به دعاوی مربوط و تعقیب عدلی مرتکبین جرایم مندرج مواد ۲۲ الی ۳۹ این قانون به اساس شکایت مجنی علیها یا وکیل وی صورت می گیرد". مواردی که زنان شاکی نمی توانند از شکایت خویش منصرف گردد در فصل سوم مواد ۱۷-۲۱ قانون منع خشونت علیه زن تصریح گردیده است و آن عبارت از جرایم ذیل اند که بر آن مجازات باید تطبیق گردد: تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحوی که به شخصیت مجنی صدمه برساند، آتش زدن یا استعمال کیمیاوی، زهروی و یا سایر مواد ضررناک و مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهروی یا سایر مواد ضررناک.

گزارش دریافتی است که حضور خائنی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در هشت ولایت^{۱۵} ظاهراً سبب تغییر مثبت در قسمت ثبت قضایای خشونت علیه زنان در ولایت های مربوطه شان گردیده و در نتیجه شکایات بیشتر در آنجا درج گردیده است. در تعداد اندکی از ولایت که ثبت قضایا در آن بالا بودند این امر در کل محدود به مرکز آن ولایات بوده است.

یوناما تأکید میدارد که هنوز تعداد زیادی از واقعات خشونت علیه زنان گزارش نشده باقی می ماند، مخصوصاً در روستاها به خاطر هنجارهای اجتماعی و محدودیت های فرهنگی، تبعیض علیه زنان (که منجر به مقبولیت گسترده خشونت علیه آنها گردیده)، ترس از رسوایی های اجتماعی یا طرد شدن و در بعضی مواقع ترس از انتقام گیری و تهدیدات به حیات شان. آن عده واقعاتی که به ارگانهای تنفیذ قانون یا ارگانهای عدلی و قضایی میرسند یا توجه عامه به آن جلب می شوند، صرف فیصدی اندک از واقعات خشونت علیه زنان در سراسر کشور را باز تاب میدهند.^{۱۶}

رویه نادرست تعقیب عدلی و به زندان انداختن زنان و دختران به خاطر فرار از منزل تحت عنوان اقدام به ارتکاب زنا یا جرایم اخلاقی - که اکثراً جهت نجات از خشونت ها اتفاق می افتد، همچنان ادامه دارد با وجود اینکه متحدالمالهایی از سوی ستره محکمه و لوی خائنی مبنی خودداری از تکرار این رویه صادر گردیده است.^{۱۷} به طور مثال ستره محکمه در سه ولایت در سال ۱۳۹۱ محکومیت ۲۸۳ تن (بیشتر زنان) را به نسبت ارتکاب جرم "زنا" و ۷۱ تن دیگر به خاطر فرار از منزل یا "شروع به جرم زنا" ثبت نموده است. در ولایت تخار، محکمه ۴۸ زن دختر جوان را به اتهام "فرار از منزل یا شروع به جرم زنا" محکوم نموده است.^{۱۸}

^{۱۵} بلخ، هرات، بدخشان، ننگرهار، پروان، کاپیسا، بامیان و کابل هشت ولایتی هستند که در آن خائنی مبارزه با خشونت علیه زنان وجود دارد.

^{۱۶} کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۲۶۶۹ مورد خشونت علیه زن بین ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۲ الی ۲۱ مارچ ۲۰۱۳ (شش ماه اخیر ۱۳۹۱) و ۴۱۵۴ مورد خشونت علیه زن بین ۲۲ مارچ ۲۰۱۳ الی ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳ (شش ماه نخست ۱۳۹۲) در ۲۷ ولایت ثبت کرده اند که در کل ۶۸۲۳ مورد خشونت علیه زن بین اکتبر ۲۰۱۲ الی سپتامبر ۲۰۱۳ (مدت دوره گزارش برای گزارش حاضر) می شوند.

^{۱۷} در جریان نظارت های خویش، یوناما دریافتی است که زنان و دخترانی که به هر دلیل بعضاً از منزل فرار میکنند، بر اساس تفسیر از ماده ۴۲۷ قانون جزای افغانستان که حاوی شرایط برای جرم زنا نیز است متهم به "شروع به فعل زنا" میگردند. برای جزئیات بیشتر راجع به "شروع به جرم زنا" در ذیل به بخش ۵.۳ صفحه ۳۹ نگاه کنید، همینطور به پا نوشت ۷۹ در ذیل.

^{۱۸} مصاحبه توسط یوناما، نظارت ساحوی، اکتبر ۲۰۱۳، دفتر ساحوی کندز.

یافته های یوناما نشان می‌دهد که پولیس قضایای بیشتر مرتبط به قانون منع خشونت علیه زن را میانجیگری می‌نماید و تعداد زیادی قضایای دیگر توسط ساختارهای غیر رسمی حل منازعات (شوراها و جرگه‌ها) حل و فصل می‌شوند. میانجیگری، چه مسقیم یا غیر مستقیم، اکثراً سبب عدم تطبیق قانون منع خشونت علیه زن به دلیل خارج ساختن این قضایا از سیستم عدلی رسمی و سپردن آن به شوراهایی که مجازات مندرج در قانون منع خشونت علیه زن و قانون جزای افغانستان^{۱۹} را تطبیق نمی‌کنند شده است. از طریق نظارت ساحوی خویش یوناما دریافته است که میانجیگری قضایای خشونت علیه زنان توسط پولیس در عمل به معنی تشویق و ترغیب زن به حل قضایای شان در بیرون از نظام عدلی و قضایی بوده که با استفاده از بر شمردن مشکلاتی که زن شاکی در صورت پیگیری قضیه شان از طریق مراجع رسمی به آن مواجه می‌شوند، صورت می‌گیرد. در بسیاری از میانجیگری‌ها مرتکب، اعضای خانواده وی و افراد متنفذ برای یک بحث و گفتگو خواسته می‌شوند که این شورا فشار زیادی را بر زن شاکی وارد می‌نماید تا وی از شکایت خویش منصرف گردد.

قانون منع خشونت علیه زن به طور صریح به میانجیگری اشاره نکرده است اما به زن شاکی اجازه داده است که در هر مرحله‌ای از رسیدگی عدلی و قضایی می‌تواند از شکایت خویش منصرف شود که این امر در عمل زمینه را برای میانجیگری مساعد ساخته است.^{۲۰} از آنجائیکه هیچ حکم صریح در قوانین افغانستان برای تنظیم میانجیگری قضایای نقض قانون منع خشونت علیه زن (یا سایر جرایم) وجود ندارد و از جانب دیگر میانجیگری از لحاظ فرهنگی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ پولیس، خانونالی، محاکم، ریاست‌های امور زنان یا سایر نهادها به شمول ساختارهای غیر رسمی مانند جرگه‌ها و شوراهای هر از گاهی میانجیگری در قضایا انجام می‌دهند.^{۲۱} یوناما موارد زیادی را مشاهده نموده است که میانجیگری یا حل قضیه از طریق

^{۱۹} به طور مثال در فوق به بخش ۱ به اظهارات "ان.ای، کی" ۲۴ ساله، یک قربانی خشونت‌های خانوادگی در ولایت ننگرهار نگاه کنید. یوناما تعدادی زیادی همچون قضایا را در جریان نظارت ساحوی خویش در دوره گزارش حاضر مشاهده نموده است. همچنان در فوق به پاورقی ۴ فصل سوم قانون منع خشونت علیه زن که جرایم شدید را فهرست نموده (مواد ۱۷-۲۱) به شمول تجاوز جنسی که بر آن مجازات قابل اعمال است. تعیین جزاء برای جرم تجاوز جنسی مندرج در ماده ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن، به ماده ۴۲۶ قانون جزای افغانستان محول گردیده، درحالیکه مجازات برای جرایم مندرج مواد ۱۸-۲۱ قانون منع خشونت علیه زن در خود قانون مذکور تصریح گردیده است.

^{۲۰} مراجعه کنید به قانون منع خشونت علیه زن در پانوش شماره ۴ در فوق، ماده ۳۹ فقره دوم که در رابطه مشعر است "مجنی علیها می‌تواند در موارد مندرج فقره ی ۱ این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف، تحقیق، محاکمه، یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد، در این صورت رسیدگی به دعوی و تطبیق جزا متوقف می‌گردد".

^{۲۱} مطابق فقره دوم ماده هفتم قانون منع خشونت علیه زن مقامات (پولیس، خانونالی و دیگران) ملزم اند که هر مورد شکایت خشونت علیه زنان را ثبت نموده و مطابق به قانون اقدامات مقتضی اتخاذ نمایند. به پاورقی شماره چهار در فوق، قانون منع خشونت علیه زن، نگاه کنید. با این وجود به خاطر وحدت خانواده [حفظ شیرازه خانواده] که حمایت از آن در

ساختارهای غیر رسمی حل منازعات نتوانسته اند خشونت علیه زنان را مانع شوند یا مجازات را برای خشونت علیه زنان به شمول جرایم خیلی شدید به دلیل عدم تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در نظر بگیرند. یوناما همچنان مشاهده نموده است که حل و فصل ها و موافقت ها به دلیل فقدان اتخاذ اقدامات پیگیری کننده ای سیستماتیک توسط مقامات مربوطه اکثراً بعد از مدتی به خشونت دیگری منجر شده است.

یوناما همچنان دریافته است که تعداد کثیری از کمیسیونهای ولایتی منع خشونت علیه زنان هنوز بطور کامل فعال نیستند. بر اساس قانون منع خشونت علیه زن این کمیسیونها نقش حیاتی و صلاحیت های گسترده برای هماهنگی تمام تلاشها جهت محو خشونت علیه زنان دارند و میتوانند از حمایت های بیشتر کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن در کابل و همکاران بین المللی خویش مستفید گردند.^{۲۲}

یوناما بر نگرانی های خویش راجع به تلاشهای اخیر جهت تضعیف قانون منع خشونت علیه زن تأکید میکند. در ماه می ۲۰۱۳ یک مباحثه در پارلمان راجع به بخشهایی از قانون مذکور که ازدواج اجباری و زیر سن را جرم انگاری نموده و بعضی احکام دیگر آن صورت گرفت. این احکام قانون منع خشونت علیه زن از سوی بعضی از اعضای محافظه کار پارلمان [ولسی جرگه] که خواستار حذف آنها از قانون مذکور بودند، غیر اسلامی خوانده شد.^{۲۳}

در جولای ۲۰۱۳ افغانستان در پیشگاه کمیته بین المللی رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان حضور یافت تا اولین گزارش دولت افغانستان راجع به تطبیق کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را ارائه نماید. کمیته مذکور دست آوردهای دولت افغانستان در عرصه حمایت از حقوق زنان از ۲۰۰۱ به این سو به شمول وضع قانون منع خشونت علیه زن و سایر اقدامات ویژه و موقتی برای ترویج حقوق زنان و نقش مثبت جامعه مدنی در راستای محو خشونت علیه زن و بهبود حقوق زنان را چشمگیر دانست.^{۲۴} کمیته مذکور نگرانی های خویش

ماده ۵۴ قانون اساسی افغانستان مورد تأکید قرار گرفته است، میانجیگری و حل قضایا توسط میکانیزم های سنتی حل و فصل قضایا به خاطر ملاحظات فرهنگی ترجیح داده می شود، در ذیل به پانوش شماره ۴۸ نگاه کنید.

^{۲۲} کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن نهادی است که از کارکردهای کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن نظارت می نماید.

^{۲۳} مسایل که "غیر اسلامی" تلقی گردید عبارت اند از: ممنوعیت ازدواج زیر سن، ازدواجهای اجباری؛ و دسترسی نا محدود به خدمات صحتی، تعلیم و تربیه، و مراکز حمایتی زنان.

^{۲۴} کمیته رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، به شمول مشاهدات در قسمت گزارش مقدماتی و دوم دوره ای افغانستان، سند CEDAW/C/AFG/CO/1-2، جولای ۲۰۱۳، پاراگرافهای ۱۰ و ۱۱، قابل دسترس در

را راجع به انکشافات چارچوب تقنینی به شمول پیشنهادات پارلمان که سبب تضعیف قانون منع خشونت علیه زن میگردد، نیز ابراز نمود و همینطور راجع به گزارشهای دوامدار راجع به ارتکاب خشونت علیه زنان و معافیت مرتکبین ابراز نگرانی کرد.^{۲۵}

در کل یافته های یوناما نشان میدهد به که منظور رشد دست آورهایی که در عرصه تطبیق قانون خشونت علیه زن صورت گرفته مقامات دولتی باید اقدامات بیشتری را انجام دهند. برای اینکه زنان و دختران در افغانستان با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن - که همچنان نیاز به تلاشهای فعال و تطبیق هماهنگ آن از سوی نهادهای تطبیق قانون دارد- در برابر خشونت ها به طور کامل مورد حفاظت قرار گیرند، هنوز راه زیادی است که باید رفت.

یوناما تأکید میدار که پولیس، خارنوالی و محاکم به منابع و حمایت های تخنیکی و سیاسی در سطح بلند و رهنمودها ضرورت دارند تا بتوانند به طور کامل به افزایش گزارشهای خشونت علیه زنان و واقعات ثبت شده طوریکه در این گزارش مستند سازی گردیده است، رسیدگی نمایند. این حمایت ها مقامات را قادر می سازد که وظایف خویش را بهتر انجام داده و به تقاضاهای فراینده زنان افغان برای عدالت به درستی رسیدگی نماید. این تقاضاها نه تنها می تواند منجر به افزایش آمار واقعات ثبت شده توسط پولیس، خارنوالی و محاکم گردیده بلکه باعث افزایش تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و سپردن مرتکبین به پنجه عدالت گردد. فقط آن زمان است که خشونت علیه زنان میتواند محو گردد و زنان به طور کامل محافظت گردد.

۱.۱. توصیه ها

برای بهبود و تقویت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، یوناما ۷۱ توصیه را در دو گزارش قبلی خویش ارائه نموده بود. تنها چهار توصیه توسط دولت افغانستان محقق شده و ۲۰ توصیه دیگر قسماً تطبیق گردیده است (به ضمیمه ۱ نگاه کنید). دلیل تطبیق بسیار آهسته این توصیه ها به منظور تسریع تطبیق قانون منع خشونت علیه زن ممکن فقدان منابع کافی و ظرفیت لازم در دولت باشد و یا عدم تمایل بعضی از مقامات افغان در تمام سطوح برای حمایت و بهبود حقوق زنان باشد.

با تأکید مجدد بر توصیه های قبلی و ارائه چندین توصیه جدید، یوناما از دولت افغانستان می خواهد که در مطابقت با تعهدات حقوقی خویش، تلاشها برای حفاظت زنان و دختران در

^{۲۵} کمیته سیدا، ملاحظات نتیجه گیری

برابر خشونت و رفتارهای سنتی مضر و همینطور اقدامات کوتاه مدت و دراز مدت ذیل را جهت بهبود تطبیق قانون منع خشونت علیه زن روی دست گیرد.

توصیه های کوتاه مدت

- با استفاده از نظارت و حمایت سیاسی در سطوح عالی حکومت، کمیسیونهای ولایتی منع خشونت علیه زن را تقویت نموده تا آنها قادر به هماهنگی تمام تلاشها جهت رسیدگی به خشونت علیه زنان گردد و همینطور نقش شان را طوریکه در قانون منع خشونت علیه زن تصریح گردیده به خوبی ایفا نمایند. رهنمودهای واضح را به تمام ارگانهای دولتی جهت همکاری و تشریک معلومات با کمیسیونهای متذکره صادر نماید.
- رهنمود لوی خارنوالی را که در ۲۰۱۲ صادر گردید و خارنوالان را ملزم میسازد تا زنان را به خاطر فرار از منزل تحت تعقیب عدلی قرار ندهند را به طور کامل تطبیق نماید و همینطور تمام قضایای زنانی را که به خاطر فرار از منزل به اتهام شروع به جرم زنا به زندان افتاده اند، بازنگری نماید. هیئت مشترک را متشکل از لوی خارنوالی، ستره محکمه و وزارت داخله برای این منظور و پیگیری آن ایجاد نماید.
- رهنمود الزامی را به تمام خارنوالی ها صادر نماید و در آن واضح سازد که کدام نوع قضایا باید تعقیب عدلی شود و کدام نوع قضایا می تواند میانجیگری گردد، و اطمینان حاصل نماید که جرایم شدید تعقیب عدلی میگردد.
- رهنمودهای واضح را برای پولیس و خارنوالان تدوین نماید و در آن روش شناسی، معیارها، حداقل ضرورتها و میکانیزم های پیگیری را برای تنظیم میانجیگری واقعات ثبت شده خشونت علیه زنان تصریح نماید. این رهنمودها مسئولیت های بعد از میانجیگری را که باید به طور دوره ای برای حداقل شش ماه اجرا گردد معین سازد و گزارش دهی متعاقب آنرا الزامی سازد.

توصیه های دراز مدت

- طوریکه کمیته سیدا در اگست ۲۰۱۳ توصیه نموده است (ضمیمه ۲ را نگاه کنید)، در مدت ششماه یک پلان عملی که دو سال آینده را پوشش بدهد و شامل اقدامات ذیل بگردد، انکشاف دهد:

- یک میکانیزم موثر را برای گزارش دهی، ثبت، تحقیق و تعقیب عدلی و اقصاء خشونت علیه زنان توسط پولیس و خائنوالی ایجاد نماید و دوره ای را راجع به آن صادر نماید.

- پولیس های زن را آموزش و تعلیم داده و آنها را توانمند سازد تا ارائه خدمات به زنان را بهبود ببخشد، همینطور واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی را از لحاظ پرسونل به اندازه کافی تجهیز نماید.

- توسط ستره محکمه رهنمودهای واضح و رهنمای نظارت واضح را برای الزامی ساختن تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در قضایای مربوطه صادر نماید.

- با تدوین لایحه وظایف مفصل و رهنمود واضح، منابع مالی و برنامه های آموزشی را برای کمیسیونهای ولایتی منع خشونت علیه زن به منظور پیگیری قضایا و ارائه خدمات لازم افزایش دهد.

- یک سیستم رایانه ای را برای ردیابی کردن قضایای خشونت علیه زنان در مرکز (کابل) انکشاف دهد، این سیستم باید حاوی طبقه بندی واحدی از نقضهای قانون منع خشونت، و تسهیل جمع آوری داده ها با استفاده از دخیل ساختن تمام نهادهای تطبیق قانون باشد تا تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را نظارت نماید. این سیستم باید قادر به ردیابی قضایای ثبت شده و اجراآت صورت گرفته در حصه آنها و نتایج اجراآت یا تعقیب عدلی و قضایی قضایا باشد. به نبود زیر ساختها در بعضی ولایات اعتراف نماید و فوراً به ایجاد یک سیستم مرکزی اقدام نماید و برای گسترش آن به تمام ولایات برنامه واضح تدوین نماید. مطمئن شود که معلومات ردیابی شده راجع به روندها توسط این سیستم، به اطلاع عموم برسد.

- استخدام زنان به تمام نهادهای تنفیذ قانون (پولیس ملی، لوی خائنوالی و محاکم) را تسهیل نماید. این امر میتواند تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را تسریع بخشیده و

زنان بیشتری را تشویق نماید که نقض های قانون منع خشونت علیه زن را به کارمندان انائیه این نهادها گزارش دهند.

- از طریق تدوین و تطبیق یک پالیسی عدم تحمل مطلق در برابر آزار و اذیت جنسی در محیط کار و اتخاذ سایر اقدامات مرتبط، یک میکانیزم حفاظت از تمام کارمندان انائیه دولتی را ایجاد نماید.
- به منظور درک مشترک از خشونت علیه زنان و احکام قانون منع خشونت علیه زن، ظرفیت نهادهای دولتی را که در قسمت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن کار میکنند، بلند ببرد. گنجاندن آموزش قانون مذکور در نصاب آموزشی پولیس و خارنوالان الزامی باشد و پیشرفت در عرصه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن که بر اساس شاخص های معین در هر شش ماه سنجیده شده باشد نیز شامل نصاب گردد و این پیشرفتها برای اطلاع رسانی عمومی نشر گردد.
- اطمینان حاصل نماید که در تمام خارنوالی ها واحدهای اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان تأسیس گردیده و [کارمندان این] ادارات به اندازه کافی آموزش دیده، مورد حمایت قرار گرفته و منابع کافی در اختیار داشته باشد.

توصیه به تمویل کنندگان بین المللی

- تمام تمویل کنندگاه بزرگ از طریق سوق دادن کمک های انشکافی خویش به سوی تعهدات مندرج در اعلامیه توکیو راجع به تساوی جندر، توانمند سازی زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و همینطور به سوی اجرای توصیه های کمیته سیدا (CEDAW) به افغانستان در اگست ۲۰۱۳، حمایت از دولت افغانستان در قسمت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را در نظر بگیرد.
- چارچوب نظارت مشترک با شاخص های معین جهت سنجش پیشرفتها در قسمت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن که شامل شرایط برای حمایت مالی پایدار و فزاینده مبتنی بر دست آورهای قابل سنجش و مشهود توسط دولت در عرصه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و اقدامات مقتضی جهت محو خشونت علیه زنان و دختران افغان باشد ایجاد نمایند.

۲. زمینه ۲۰۱۲-۲۰۱۳

با خروج نیروهای بین المللی از افغانستان و فرا رسیدن انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ میلادی، اکثر افغان ها اضطراب و نگرانی های خویش را در مورد آینده ابراز داشتند. گروه های زنان، نهادهای جامعه مدنی و کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر نگرانی های عمیق خویش را در رابطه به خطر جدی عقب گرد و کمرنگ شدن توجه به حقوق زنان در جریان انتقال سیاسی، اقتصادی و امنیتی در افغانستان اظهار نمودند.^{۲۶}

یوناما در سال ۲۰۱۳ میلادی روندهای منفی متعددی در عرصه حفاظت از حقوق زنان و ترویج آن مشاهده کرده است. این روندها شامل انکشافات در عرصه قانونگذاری و ایجاد محدودیت های جدید می باشد که بنا بر بعضی تعبیرها از اسلام در برخی از مناطق علیه زنان وضع گردیده است. به گونه مثال، علمای دینی و بزرگان قومی در منطقه ده صلاح ولایت بغلان حکمی را صادر نمودند که به اساس آن زنان حق بیرون شدن از منزل بدون محرم شرعی را ندارند. در هفته اخیر ماه جون سال ۲۰۱۳ میلادی، آنها مانع رفتن زنان به آرایشگاه ها شدند.^{۲۷} پس از مذاکرات، حالا زنان می توانند در منطقه ده صلاح به آرایشگاه ها بروند ولی اجازه این کار را صرف در موجودیت محرم شرعی دارند.^{۲۸}

سال ۲۰۱۳ میلادی شاهد عقب گردهای متعدد در عرصه قانون گذاری برای بهبود حقوق زنان در افغانستان بود. جدی ترین این مخالفت ها بحث و گفتگو در پارلمان به تاریخ ۱۸ می ۲۰۱۳ در مورد قانون منع خشونت علیه زن بود. قانون مذکور در ماه آگست ۲۰۰۹ میلادی به اساس فرمان رئیس جمهور توشیح و از آن پس نافذ گردید. کمیسیون پارلمانی امور زنان، جامعه مدنی و حقوق بشر، قانون منع خشونت علیه زن را برای تبدیل آن از یک فرمان تقنینی به قانون مصوب، به پارلمان ارائه نمود.

^{۲۶} "خشونت علیه زنان هنوز هم بسیار شایع می باشد و من از مقامات مسئول خواسته ام تا تلاش های هر چه بیشتری را در راستای تسریع و بهبود تطبیق این قانون مهم که در سال ۲۰۰۹ به اساس فرمان رئیس جمهور کرسی توشیح شد، به خرج دهند. آمادگی و پذیرش مقامات بلند پایه دولت در مورد اینکه کارهای زیادی به ویژه در مناطق روستائی باید انجام شود و هم چنان تعهد آنها در خصوص پیگیری بیشتر دستاوردها برایم امیدوار کننده بود. با آن هم، من از این امر آگاه هستم که گروه های جامعه مدنی در مورد موانع فرا راه دست آوردهای حقوق زن و حتی عقب گرد نگرانی های روز افزونی دارند." بیانیه افتتاحیه کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، ناوی پیلی در کنفرانس مطبوعاتی در جریان بازدیدش از کابل، افغانستان به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۳؛ متن این بیانیه در لینک ذیل قابل دسترس می باشد:

<http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=13734&LangID=E>

^{۲۷} نظارت ساحوی یوناما، ۲۱ جولای ۲۰۱۳، حوزه شمال شرقی، ولایت بغلان.

^{۲۸} نظارت ساحوی یوناما، نوامبر ۲۰۱۳، حوزه شمال شرقی، ولایت بغلان.

اما این پروسه منتج به بحث‌های داغ در بارهٔ قسمت‌هایی از این قانون که توسط بعضی از اعضای پارلمان "غیر اسلامی" خوانده شده بود، گردید. رئیس پارلمان قانون مذکور را غرض بحث بیشتر توسط ۱۸ کمیسیون پارلمانی مربوطه، دوباره به کمیسیون مشترک فرستاد. موضوعات کلیدی مورد اختلاف که به عنوان موضوعات غیر اسلامی مطرح شد در برگیرنده موارد ذیل بود: ممانعت ازدواج اطفال، ازدواج‌های اجباری؛ دسترسی به خدمات صحتی، تعلیم و تربیه و سرپناه برای زنان^{۲۹}. بعضی از اعضای پارلمان استدلال کردند که بخش‌های مذکور در قانون منع خشونت علیه زن در مطابقت با احکام شرعی قرار ندارند.

بحث‌های اعضای پارلمان در مورد قانون منع خشونت علیه زن تأثیرات منفی بر تطبیق قانون مذکور - که قبلاً نیز بسیار کم تطبیق می‌گردید - در بعضی مناطق کشور گذاشت؛ و شکنندگی دست‌آوردها در رابطه با حقوق زنان در عرصهٔ قانونگذاری را نشان داد. در حال حاضر کمیسیون‌های پارلمانی در حال بحث روی این قانون و بعضی از مواد کلیدی آن در خصوص تأمین حقوق زن می‌باشند که این امر ابهاماتی را در مورد آینده این قانون ایجاد کرده است.

طی انکشاف دیگری در ماه جون ۲۰۱۳ میلادی، ولسی جرگه افغانستان مسوده قانون اجراءات جزائی را تصویب نمود که یکی از مواد آن مانع شهادت اقارب در تمام قضایای جزائی می‌گردد^{۳۰}. این حکم تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان را با مشکل مواجه می‌سازد زیرا در اکثر موارد، خشونت علیه زن در محیط خانواده اتفاق می‌افتد و معمولاً اعضای خانواده تنها شهود وقوع عمل جرمی می‌باشند. توجیه برای ایزاد حکم جدید این بود که نیاز است تا قضایای خانوادگی مانند خشونت علیه اعضای زن و سوء استفاده از اطفال به عنوان موضوعات خصوصی و در چارچوب خانواده یا جامعه حل و فصل گردد. در او دسامبر ۲۰۱۲ قانون مذکور به مشرانو ارسال گردید.

قانون انتخابات افغانستان که در ماه جون ۲۰۱۳ میلادی تصویب شد، سهمیهٔ کرسی‌های زنان را از ۲۵ به ۲۰ درصد کاهش داد. افزون بر آن، سهمیهٔ کرسی‌ها در شوراهای ولسوالی دیگر برای زنان میسر نیست در حالی که در گذشته کرسی‌ها در تمام سطوح برای آنها تخصیص داده شده بود^{۳۱}.

^{۲۹} الی جولای ۲۰۱۳ میلادی به تعداد ۱۸ خانه امن برای زنان در افغانستان فعالیت داشته که از جمله ۱۶ آن توسط موسسات غیر دولتی به پیش برده می‌شود و ۲ سر پناه آن مربوط ریاست‌های امور زنان می‌گردد. دفتر یوناما به تاریخ ۲۸

جولای ۲۰۱۳ با معاون اداره ملل متحد برای زنان در کابل مصاحبه را انجام داد.

^{۳۰} به ماده ۲۶ مسوده قانون اجراءات جزائی جمهوری اسلامی افغانستان مراجعه گردد.

^{۳۱} قانون جدید انتخابات، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۱۲ مورخ ۶ آگست ۲۰۱۳.

در جولای ۲۰۱۳، افغانستان برای اولین بار در کمیته ملل متحد در مورد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) حاضر شد و گزارش دولت افغانستان را ارائه نمود. هر چند پیشرفت های کشور در راستای بهبود حقوق زنان از سال ۲۰۰۱ بدینسو مورد ستایش قرار گرفت، اما با آن هم کمیته مذکور نگرانی های عمیق خود را در مورد اتفاقات اخیر در عرصه قانونگذاری مانند کاهش سهمیه زنان در قانون انتخابات و ارائه نظرات پارلمان جهت تضعیف قانون منع خشونت علیه زن ابراز داشتند.^{۳۲}

این کمیته از دولت افغانستان خواست دست آوردها در مورد حقوق زنان در عرصه قانونگذاری را توحید نموده و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را در اولویت قرار دهد.^{۳۳} کمیته مذکور از دولت افغانستان خواست تا گزارش اولیه دو ساله ای را در مورد دو موضوع مذکور ارائه کند. این کمیته از دولت افغانستان خواست تا حساسیت در برابر قضایای خشونت علیه زنان را افزایش دهد و اطمینان حاصل نماید که مسئولین تنفیذ قانون، قضایای خشونت علیه زنان را جهت تعقیب عدلی به مراجع مربوطه ارسال میکنند و همینطور واضح سازد که کدام قضایا الزاما مورد پیگرد قانونی قرار گیرند. کمیته یاد شده پیشنهاد نمود که دولت افغانستان هر نوع اقدامات لازم را روی دست گیرد تا از دسترسی زنان به نظام عدالت رسمی اطمینان حاصل نماید. همچنان، کمیته متذکره نگرانی های جدی خویش را در مورد اعمال خشونت بار، خشونت های خانوادگی و جرایم ناموسی^{۳۴} ابراز داشت.

در خاتمه، سال ۲۰۱۳ میلادی شاهد حملات مکرر علیه زنان در زندگی اجتماعی بود. در آگست ۲۰۱۳، سه زن سرشناس (دو سناتور و یک عضو مجلس نمایندگان) و خانواده های شان مورد هدف قرار گرفتند.^{۳۵} هر چند عاملین آن تا هنوز شناسائی نشده است، اما مردم به این باور اند که این زنان به دلیل اینکه شخصیت های مردمی بودند، هدف حمله قرار گرفتند. در جولای و سپتامبر ۲۰۱۳، دو افسر ارشد پولیس اناث هر یک «دریم خارن اسلام بی بی»^{۳۶} و

^{۳۲} به توصیه نتیجه گیری کمیته سیدا در پاورقی شماره ۲۵ در فوق، پاراگرافهای ۱۰ و ۱۱ نگاه کنید.

^{۳۳} دول عضو مکلف هستند تا گزارش چهار ساله را به طور منظم به کمیته کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) ارائه نمایند ولی از دولت افغانستان تقاضا شده است تا موقتاً گزارش دو ساله در این خصوص ترتیب نمایند. به همان توصیه های کمیته سیدا در پاراگراف های ۱۱ و ۲۳ مراجعه شود.

^{۳۴} همان، در پاراگرافهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴.

^{۳۵} یوناما آمار فزاینده قتل های هدفمند و حملات علیه مردان و زنان سرشناس ملکی را که در نهادهای دولتی کار می کنند در سال ۲۰۱۳ میلادی به ثبت رسانده است: به گزارش شش ماهه ۲۰۱۳ در مورد حفاظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) که در لینک ذیل قابل دسترس است، مراجعه گردد:

<http://unama.unmissions.org/LinkClick.aspx?fileticket=EZoxNuqDtps%3d&tabid=12254&language=en-US>

^{۳۶} نظارت ساحوی یوناما، ۴ جولای ۲۰۱۳، ولایت هلمند.

«دویم خارن نگاره»^{۳۷} در ولایت هلمند به قتل رسیدند. به اساس اظهارات پولیس و خارنوال محل، تحقیقات در مورد این قتل ها جریان دارد.^{۳۸} به تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۱۳، افسر پولیس زن توسط افراد مسلح ناشناس در ولسوالی زرنج ولایت نیمروز زمانی مورد هدف قرار گرفت و به قتل رسید که در حال رفتن به محل کارش بود.

^{۳۷} نظارت ساحوی یوناما، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳، ولایت هلمند.

^{۳۸} نظارت ساحوی یوناما، ۲ نوامبر ۲۰۱۳، ولایت هلمند.

۳. میتودولوژی

با توجه به دسترسی محدود به بعضی مناطق افغانستان به دلیل وضعیت نامساعد امنیتی و عدم موجودیت سیستم منظم جمع آوری اطلاعات در سطح کشور توسط نهادهای دولتی، این گزارش به اساس معلومات مفصل از ۱۸ ولایت افغانستان برای مدت یک سال - اکتوبر ۲۰۱۲ الی سپتامبر ۲۰۱۳ - ترتیب شده و بررسی تخنیکی آن توسط کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر صورت گرفته است.^{۳۹}

هدف از تجزیه و تحلیل کنونی اینست تا معلومات مندرج در گزارش ۲۰۱۲ یوناما تحت عنوان "هنوز راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن" را به روز ساخته و آنرا با یافته های گزارش حاضر از عین ۱۶ ولایت مقایسه نماید. علاوه بر آن، گزارش های کنونی و گذشته شامل ارزیابی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در ولایت های کابل و هرات نیز می باشد.^{۴۰}

یوناما با بیش از ۲۰۰ تن از مقامات دولتی، عدلی و قضائی، و تنفیذ قانون که در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن دخیل بودند، ملاقات نموده و معلومات را راجع به ثبت، تحقیق، پیگیری عدلی قضایا و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط، خانونوال و محاکم به دست آورد. گزارش مذکور هم چنان به اساس نظارت از حدود ۵۰۰ قضیه خشونت علیه زنان در سراسر کشور طی مدت یک سال ترتیب گردیده که این نظارت توسط بخش حقوق بشر یوناما انجام شد.

اگر چه وزارت امور زنان دارای دیتابیس (مرکز معلومات) جهت جمع آوری معلومات در مورد ثبت، ارجاع و پیگیری قضایای خشونت علیه زنان می باشد، ولی یک میکانیزم مرکزی، سیستماتیک، منسجم و هماهنگ شده برای درج و ردیابی این قضایا میان وزارت امور داخله، وزارت عدلیه، وزارت امور زنان و لوی خانونوالی وجود ندارد. این وضع جمع آوری و تجزیه و تحلیل دقیق اطلاعات را با مشکلات زیادی مواجه ساخته و مانع اتخاذ اقدامات مناسب برای پاسخگویی به این قضایا می گردد.

میزان بلند ناامنی در بعضی مناطق و منابع محدود در ساحه نیز باعث بروز چالش در پروسه جمع آوری معلومات می گردد. در بعضی ولایات (مانند غزنی، هلمند و نیمروز)، معلومات

^{۳۹} به فهرست ۱۶ ولایت مراجعه گردد.

^{۴۰} در ذیل به صفحه ۳۰ مراجعه گردد.

قابل دسترس نبوده در حالی که مقامات افغان در بعضی ولایات در شریک ساختن معلومات با یوناما همکاری نکردند. در مجموع، جمع آوری معلومات مشخصاً از محاکم در تمام ولایت مشکل بود. هر چند ستره محکمه اطمینان داده بود که معلومات لازم در مرکز در اختیار یوناما قرار خواهد گرفت، ولی ستره محکمه در نهایت به دلیل عدم موجودیت سیستم مرکزی فعال و جامع، صرف در مورد سه ولایت معلومات ارائه کرد^{۴۱}.

سیستم های ضعیف حفظ قضایا در تمام سطوح نهادهای دولتی باعث ایجاد چالش در حصول معلومات درست در مورد قضایای خشونت علیه زنان و رسیدگی دولت به چنین قضایا گردیده است.

یوناما برای گزارش کنونی و گزارش قبلی، افزون بر ولایت های کابل و هرات، از پولیس ملی افغان، خارنوالی ها و محاکم ابتدائیه در ۱۶ ولایت معلومات به دست آورده است^{۴۲}. علاوه بر این، معلومات از ریاست های امور زنان در ۱۵ ولایت از جمله ۱۶ ولایت فوق الذکر (به استثنای ولایت جوزجان) نیز حاصل گردید. به دلیل ناامنی یا عدم موجودیت سیستم منظم جمع آوری اطلاعات در نهادهای دولتی یا هر دو عامل ذکر شده، یوناما قادر به جمع آوری معلومات از پولیس ملی افغان، خارنوالی و محاکم ابتدائیه در ۱۶ ولایت دیگر نشد.

پولیس، خارنوالیها و محاکم	سمنگان	پاروان	پکتیکا	پکتیکا	ننگرهار	نصخان	کنر	خوست	کاپیسا	جوزجان	غور	فراه	داریکندی	پامیان	بادکوش	بدخشان
ریاست های امور زنان	سمنگان	پاروان	پکتیکا	پکتیکا	ننگرهار	نصخان	کنر	خوست	کاپیسا	جوزجان، عم پوشش	غور	فراه	داریکندی	پامیان	بادکوش	بدخشان
ولایات که پوشش داده نشده اند	زابل	لرورگان	کنر	مردی پول	پنجشیر	نورستان	نوروز	میلان وردک	لنجر	کنر	کندهار	هلمند	غرزی	فاریاب	بلخ	بغلان

۳.۱. طی مراحل قانونی قضایای خشونت علیه زنان

بر مبنای قانون منع خشونت علیه زن، مجنی علیهای هر یکی از اعمال جرمی مندرج در قانون مذکور، حق دارد تا به ریاست امور زنان^{۴۳}، دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، پولیس

^{۴۱} سه ولایت که ستره محکمه معلومات آنرا با یوناما شریک کرد عبارت اند از بلخ، هرات و کابل. اکثر معلوماتی را که ستره محکمه ارائه نمود از مارچ ۲۰۱۲ الی مارچ ۲۰۱۳ میلادی می باشد که در برگیرنده معلومات راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن نمی باشد.

^{۴۲} ولایت های هرات و کابل به گونه جدا گانه در صفحه ۳۰ مورد بررسی قرار گرفتند.

^{۴۳} برای معلومات بیشتر در مورد ریاست های امور زنان، به پاروقی ۱۲ در فوق نگاه کنید.

یا دفتر خارنوالی مراجعه نماید. ریاست امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و ریاست حقوق^{۴۴} معمولاً یا میانجیگری میکنند و یا مجنی علیها را بر اساس رضایت وی برای دریافت خدمات لازم از قبیل سرپناه^{۴۵} به مراجع دیگر معرفی می کند. هر یک از نهادهای ذکر شده عملاً تلاش می کنند تا راه حل (حل و فصل قضیه) را از طریق میانجیگری و گفتگو دریابند^{۴۶}. هر چند هیچ حکم صریح در قوانین افغانستان راجع به مجاز بودن یا ممنوع بودن میانجیگری در همچو قضایا وجود ندارد، اما اکثراً پولیس و خارنوالی ها از میانجیگری به عنوان نخستین راه حل برای حفظ شیرازه خانواده ها استفاده می کنند. از این لحاظ، میانجیگری و میکانیزم های غیر رسمی حل و فصل قضایا بنا بر دلایل فرهنگی ترجیح داده می شوند؛ ماده ۵۴ قانون اساسی افغانستان در حفظ کانون خانواده تاکید کرده است. با وجود آن، هر گاه مجنی علیها تصمیم بگیرد تا مراحل قانونی را طی کند، نهادهای فوق الذکر قضیه وی را به پولیس یا در بسا موارد به خارنوالی ارجاع می کنند.

مجنی علیها می تواند شخصاً به پولیس یا خارنوالی نیز مراجعه نماید. اگر ادعای مجنی علیها مبنی بر خشونت نزد پولیس ثبت گردد و پولیس نخواهد قضیه را از طریق میانجیگری حل و فصل نماید یا قضیه را به میکانیزم سنتی حل و فصل منازعات راجع سازد، پولیس میتواند قضیه را به خارنوالی مربوطه ارسال نماید^{۴۷}. بعد از دریافت قضیه، خارنوال به اساس تحقیقات و صلاحدید وظیفوی تصمیم می گیرد که قضیه به اساس قانون منع خشونت علیه زن یا قانون جزا و یا هم طبق هر دو قانون مورد بررسی قرار گیرد و می تواند قضیه را به محکمه ارسال نماید تا جلسه قضائی در زمینه دایر گردد. در جریان تمام پروسه، مجنی علیهای شاکی می تواند از ادعای خود در هر مرحله انصراف نماید. در عمل، هرگونه انصراف از شکایت معمولاً نتیجهء

^{۴۴} ریاست عمومی حقوق در کابل موقعیت داشته و منازعات برخاسته از دیون، ملکیت ها و روابط فامیلی اشخاص حقیقی و حقوقی را به اساس احکام قانون اجراءات مدنی و قانون تحصیل حقوق مورد رسیدگی قرار می دهند. دفاتر ولایتی ریاست حقوق در ۳۴ ولایت افغانستان وجود دارند.

^{۴۵} به پاورقی شماره ۲۹ که موضوع عدم موجودیت خانه های امن برای زنان در سراسر کشور را مورد بحث قرار می دهد، مراجعه گردد.

^{۴۶} به پاورقی شماره ۲۱ در فوق راجع به ارجحیت دادن قانون اساسی به حفاظت از کانون خانواده مراجعه گردد.

^{۴۷} همان

میانجیگری رسمی یا غیر رسمی می باشد. اگر مصالحه پس از محکومیت صورت گیرد، تطبیق هر نوع مجازات در نظر گرفته شده متوقف میگردد.^{۴۸}

قانون منع خشونت علیه زن، پنج مورد خشونت علیه زن را [بطور متفاوت] در "احکام جزائی" گنجانده که این موارد شامل تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایی و خود سوزی یا خود کشی می گردد.^{۴۹} در این پنج مورد دولت ملزم است مرتکب را، بدون در نظر داشت شکایت مجنی علیه یا انصراف وی از پیگیری شکایت او، چه بر اساس قانون منع خشونت علیه زن یا قانون جزاء مجازات نماید.^{۵۰} هم چنان، عمل جرم قتل فقط بر اساس قانون جزاء مورد رسیدگی قرار میگیرد و در قانون منع خشونت علیه زن گنجانده نشده و همینطور قانون مذکور برای مجازات تجاوز جنسی به قانون جزاء ارجاع داده است.

در مورد جرایمی همچون جراحت یا معلولیت، لت و کوب، گرسنگی یا فروش زن به بهانه ازدواج^{۵۱}، قانون منع خشونت علیه زن تصریح نموده است که مجنی علیها می تواند از ادعای خود صرف نظر کند که این در عمل بدان معنی است که میتوان قضیه مجنی علیهای را که مورد لت و کوب قرار گرفته و مجروح شده است را به میانجیگری یا میکانیزم غیر رسمی حل و فصل قضایا ارجاع نمود. با توجه به شمار زیاد قضایایی که از طریق میانجیگری حل و

^{۴۸} به ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن در پاورقی شماره ۴ در فوق مراجعه گردد: (۱) رسیدگی به دعوای مربوط و تعقیب عدلی مرتکبین جرایم مندرج مواد (۲۲ الی ۳۹) این قانون به اساس شکایت مجنی علیها یا وکیل وی صورت می گیرد. (۲) مجنی علیها می تواند در موارد مندرج فقره (۱) این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف، تحقیق، محاکمه یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد، در این صورت رسیدگی به دعوی و تطبیق جزاء متوقف می گردد. ماده ۴۷۶ قانون جزاء جمهوری اسلامی افغانستان چنین صراحت دارد: ۱- در جرایم مندرج فصول این باب (۵، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷) که از آن به زوج یا یکی از اصول یا فروع ضرر برسد، تحریک دعوی یا سایر اجراء علیه شان جواز ندارد. مگر به شکایت مجنی علیه و دعوی جزائی قبل از صدور حکم قطعی یا انصراف مجنی علیه از شکایت ساقط می گردد. ۲- انصراف اگر در جرایم مندرج فقره فوق بعد از حکم قطعی محکمه صورت گیرد، تنفیذ حکم متوقف می گردد. ماده ۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان چنین تصریح می کند: خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.

^{۴۹} به مواد ۱۷ الی ۲۱ فصل سوم قانون منع خشونت علیه زن در پاورقی شماره ۴ در فوق مراجعه گردد.

^{۵۰} به صفحه ۲ در پاورقی به لینک گزارش یوناما تحت عنوان هنوز راه طولانی فرار روی، مراجعه گردد.

^{۵۱} به مواد ۲۲ الی ۲۴ و ماده ۳۲ فصل سوم قانون منع خشونت علیه زن در پانوش شماره چهار در فوق مراجعه گردد.

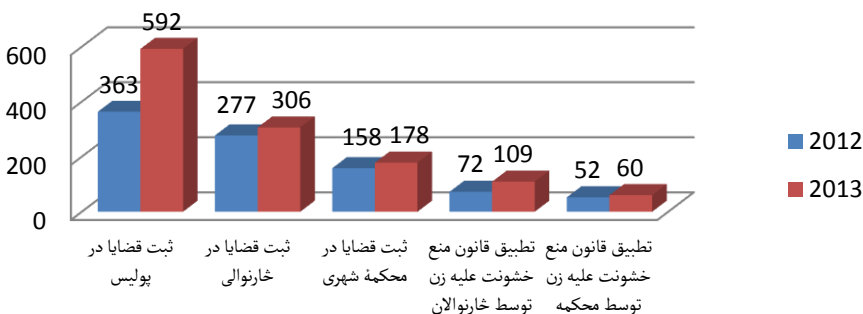
فصل شده اند و با در نظر داشت تاکید فرهنگ و عنعنات در افغانستان بر میانجیگری، یوناما به این باور است که جرایم جدی خشونت علیه زنان نباید از طریق میانجیگری، بلکه از مجرای پروسهء عدالت رسمی و در مطابقت با قانون، پالیسی و رویه های عدلی و قضائی، مورد پیگیری قرار گیرد.

۴. یافته ها

من عروسی کردم و طلاق داده شدم. خانواده ام مرا مجبور کردند تا با شوهر فعلی ام به عنوان زن دومش ازدواج نمایم. من در یکی از ادارات دولتی کار می کنم که خانواده ام با آن راضی نیست. ثمره ازدواج اخیرم یک دختر می باشد. دوستان و همکارانم مرا تشویق کردند تا در اداره دولتی کار کنم و من هم آن را پذیرفتم. شوهرم به پدر و برادرم شکایت کرد که گویا من با مردان خارجی صحبت می کنم و پابند به اصول زناشویی نیستم. پدر و برادرم، من و دخترم را به مرگ تهدید کردند. یک شام یک مرد ناشناس وارد خانه من شد و زمانی که وی را دیدم، وی فرار نمود ولی یکی از کاردهای آشپزخانه مفقود گردید. بعداً شوهرم به همسایه ها گفت که آن شخص خود او بود [و کارد را از آشپزخانه برداشته بود] تا مرا به قتل برساند. بعد از اتهام شوهرم علیه من مبنی بر انجام کارهای غیر اخلاقی، پدر و برادرم مرا نزد خود خواستند و مرا به شدت با کمر بند لت و کوب کردند و تهدید به مرگ کردند. من شکایتی را نزد پولیس درج کردم ولی برای زندگی خود و دخترم نگران هستم. من هیچ جایی برای رفتن ندارم و حتی اگر پولیس اکنون اقدامی نماید، من از آن می ترسم که به مجردی که فرصت برای خانواده ام مساعد گردد، مرا خواهند کشت.^{۵۲}

س، ۳۵ ساله، ولایت هرات، اکتوبر ۲۰۱۳

تحلیل مقایسوی از یافته های گزارش قبلی و گزارش حاضر یوناما
راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم و
خارنوالی ها در ۱۶ ولایت

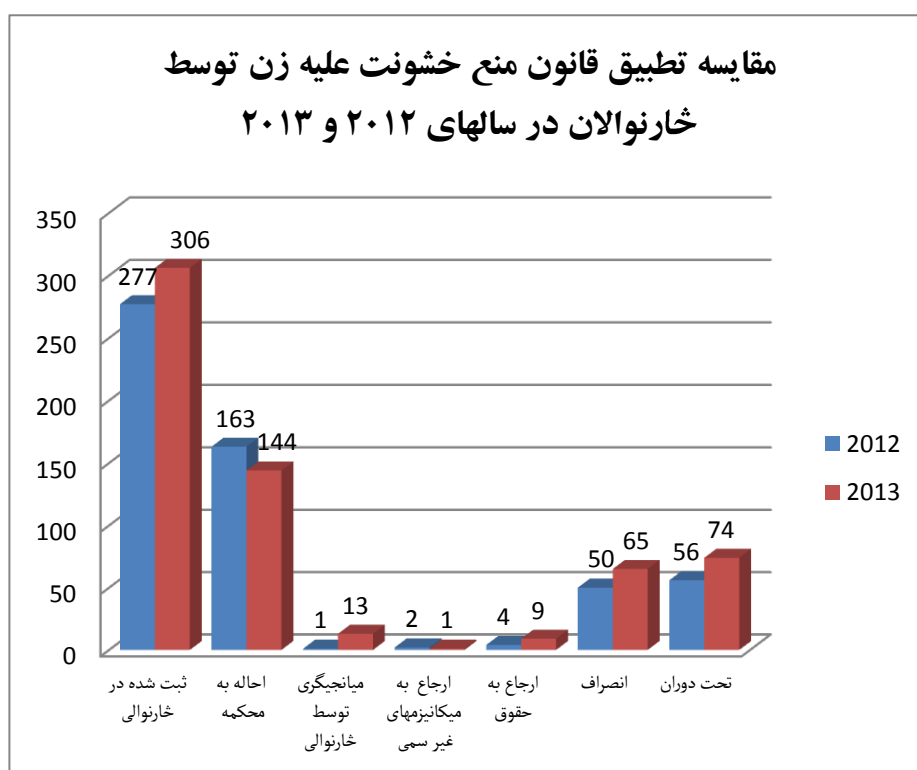


^{۵۲} مصاحبه یوناما با خانم س، اکتوبر ۲۰۱۳، ولایت هرات.

یوناما افزایش قابل ملاحظه (۶۲ درصدی) را در تعداد وقایع خشونت علیه زنان که پولیس ثبت نموده مشاهد کرد که نسبت به دوره گذشته افزایش چشمگیری را نشان می دهد (۵۹۲ قضیه در سال ۲۰۱۳ در مقایسه به ۳۶۳ قضیه در سال ۲۰۱۲).

ثبت وقایع توسط خارنوالی ها و محاکم نیز افزایش یافته هر چند فیصدی این افزایش اندک می باشد. تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالی افزایش اندک (۲ درصد) را نسبت به دوره گذشته نشان می دهد. این امر نشان دهنده آنست که هر چند زنان بیشتر قضایای خشونت را گزارش داده اند و مسئولین قضایای بیشتری را ثبت کرده اند، اما تعداد قضایای که بر اساس قانون مذکور و در چارچوب روند عدالت رسمی حل و فصل شده است، نسبت به سال گذشته افزایش خیلی اندکی داشته است.

۴. ۱. ثبت قضایا و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالان



- خارنوالان طی یک سال به تعداد ۳۰۶ قضیه^{۵۳} خشونت علیه زنان را در ۱۶ ولایت به ثبت رسانده اند که بطور متوسط ۲۵ قضیه در ماه می شود. در دوره حاضر میزان قضایای ثبت شده توسط خارنوالان ۱۰ درصد بیشتر از دوره قبلی است که افزایش اندک را نشان می‌دهد.
- خارنوالان ۱۴۴ قضیه خشونت علیه زنان یا نیمی از ۳۰۶^{۵۴} قضیه ای را که ثبت نموده اند جهت پیگیری قانونی به محکمه ارجاع نموده اند. از جمله ۱۶۲ قضیه باقی مانده، ۱۳ قضیه آن توسط خارنوالان میانجیگری شد، ۹ قضیه دیگر به ریاست حقوق وزارت عدلیه^{۵۵} راجع شد، ۶۵ شاکی از پیگیری قضایای خویش انصراف نمودند و یک قضیه دیگر بخاطر حل و فصل به میکانیزم سنتی حل اختلافات راجع گردید. در زمان تهیه این گزارش، ۶۸ قضیه تحت دوران قرار داشت، ۴ قضیه دیگر مشخص نگردید و ۲ قضیه دیگر به ولسوالی راجع گردید. (در دوره قبلی، خارنوالان ۱۶۳ قضیه را بخاطر حل و فصل به محکمه احاله نموده بود که در حقیقت ۵۹ درصد کل ۲۷۷ قضیه ثبت شده توسط آن‌ها را نشان می‌دهد).
- خارنوالان در ۱۶ ولایت توانستند که در مورد ۷۶ درصد (۱۰۹ قضیه) از ۱۴۴ قضیه^{۵۶} احاله شده به محکمه، قانون منع خشونت علیه زن را به کار بردند. اما این امر باید در مقایسه به ۶۵۰ واقعه^{۵۷} ثبت شده ارزیابی گردد، زیرا در مقایسه با دوره قبلی فقط ۲ درصد افزایش را در کاربرد قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالان نشان می‌دهد^{۵۸}. در دوره قبلی، خارنوالان توانستند در ۷۲ قضیه یا در ۱۵ درصد از کل قضایای ثبت شده قانون منع خشونت علیه زن را به کار ببرند در حالیکه در دوره فعلی از جمله ۶۵۰ قضیه^{۵۹} ثبت شده در ۱۰۹ قضیه یا (۱۷ درصد) قانون منع خشونت علیه زن را تطبیق کرده اند.

^{۵۳} به منظور این گزارش، ثبت یک حادثه گزارش شده از سوی پولیس یا خارنوالان به معنی این است که شکایت در این خصوص دریافت شده و دوسیه برای آن ترتیب گردیده، اما اصولاً به معنی این نیست که خارنوالی تحقیقی را شروع نموده و یا پولیس این حادثه گزارش شده را بخاطر پیگرد به سیستم عدالت جزائی راجع نموده باشد.

^{۵۴} هرگونه ارجاع از سوی خارنوال به محاکم به معنی این است که خارنوال تحقیق را تکمیل نموده و دوسیه را بخاطر محاکمه به محکمه فرستاده است.

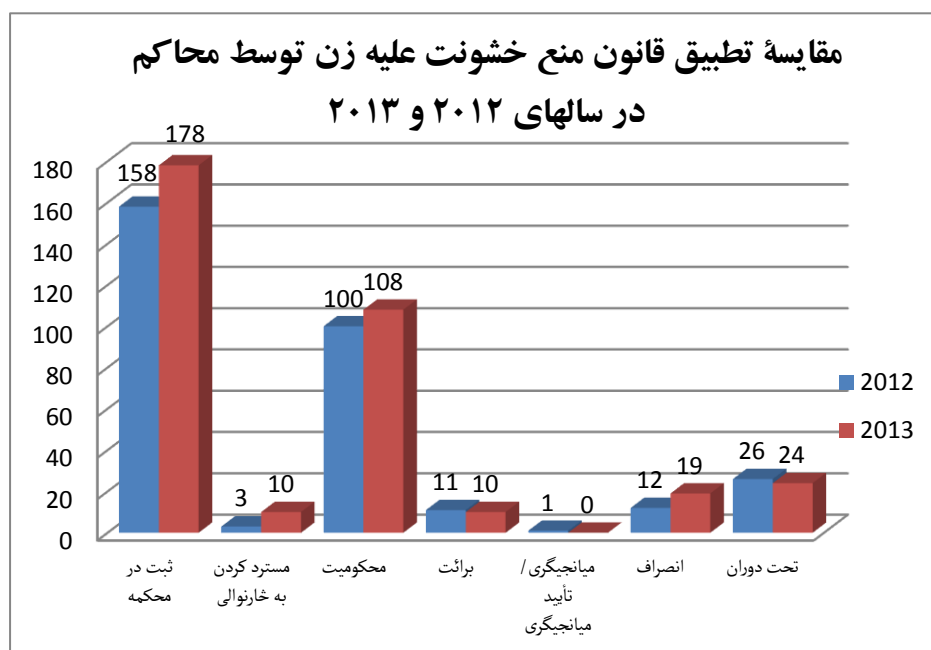
^{۵۵} دوسیه‌های را مبتنی بر قانون منع خشونت علیه زن میتوان به وزارت عدلیه ارسال کرد ... به گونه مثال، اختلافات بر سر میراث. به قانون منع خشونت علیه زن مراجعه شود، یادداشت ۴ در فوق ... ماده ۵ (۱۷) یا ۳۳.

^{۵۶} از اکتوبر ۲۰۱۱ تا سپتمبر ۲۰۱۲ اداره خارنوالی قانون منع خشونت علیه زن را در ۴۴ درصد دوسیه‌ها (در ۷۲ دوسیه از ۱۶۳ دوسیه) در ۱۶ ولایت تطبیق نموده است. به گزارش یوناما بنام راه طولانی فرار روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، پاروقی ۳ در فوق در صفحه ۲ مراجعه گردد.

- ۴۷ درصد از قضایای ثبت شده توسط خارنوالی به محکمه راجع شده (۱۴۴ قضیه از جمله ۳۰۶ قضیه) در حالیکه ۵۹ درصد (۱۶۳ قضیه از ۲۷۷ قضیه ثبت شده) در دوره قبلی به محکمه ارجاع شده بود. این آمار در واقع ۱۲ درصد کاهش را در قضایای ارجاع شده خشونت علیه زنان توسط خارنوالان به محکمه نشان می دهد که تا حدی دلیل این کاهش اتکاء به میانجیگری می باشد.

یافته های یوناما نشان می دهد که در زمان تهیه این گزارش خارنوالان بخصوص در هشت ولایتی که خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان وجود دارد، برای پیگیری قانونی قضایای خشونت علیه زنان از مجرای محکمه از این قانون به عنوان اساس یا مبناء صورت دعوی خویش استفاده می کنند.^{۵۷} به طور مثال، ولایات کابل، بلخ، هرات، بدخشان و ننگرهار همه دارای واحدهای فعال محو خشونت علیه زنان هستند و یوناما نیز ملاحظه نموده که این دفاتر تعداد زیادی از قضایای خشونت علیه زنان را به ثبت رسانده اند.

۲.۴. ثبت قضايا و تطبيق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم



^{۵۷} برای فهرست ولایاتی که خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در آن وجود دارند، به پاورقی ۱۵ در فوق مراجعه شود.

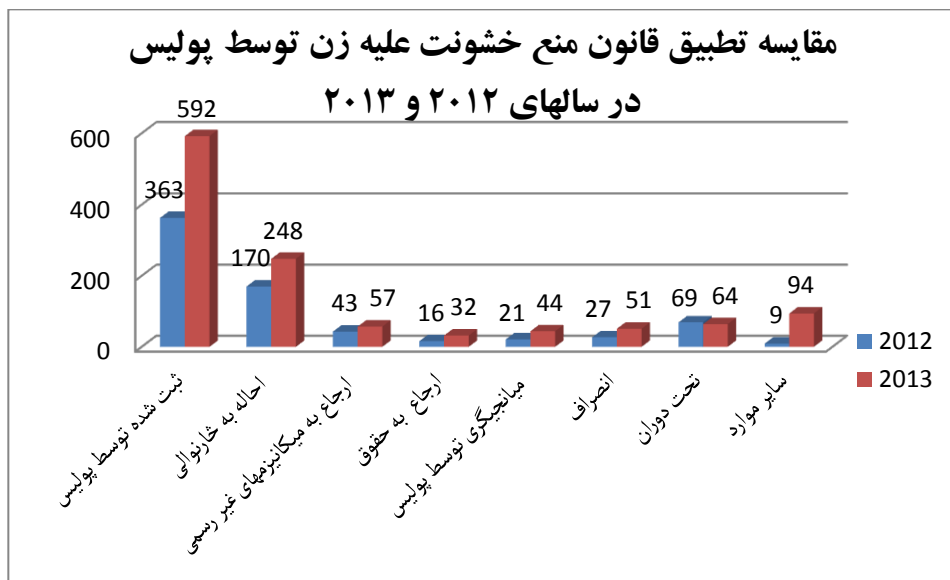
- بر اساس معلومات که طی یک سال از ۱۶ ولایت بدست آمده^{۵۸}، یوناما دریافت که ۶۱ درصد یا ۱۰۸ قضیه از مجموع ۱۷۸ قضیه^{۵۹} خشونت علیه زنان که در محاکم رسیدگی شده اند، منجر به محکومیت شده اند. مطابق به یافته های گزارش قبلی عین درصد از قضایای (۱۰۰ قضیه از جمله ۱۵۸ قضیه یا ۶۰ درصد) که در جریان یک سال به محکمه احاله گردیده بود منجر به محکومیت شده بود. بنابر این تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم هنوز هم تقریباً به همان میزان است و تغییر نکرده است.
- یوناما دریافت که در مقایسه با دوره قبلی تعداد قضایایی که محاکم آنها را بر اساس قانون منع خشونت علیه زن رسیدگی و حکم الزام صادر نموده، اندکی افزایش یافته است. در دوره حاضر، محاکم در ۵۶ درصد از قضایای فیصله شده یا در ۶۰ قضیه از مجموع ۱۰۸ قضیه، قانون منع خشونت علیه زن را به کار برده اند^{۵۹}. در دوره قبلی محاکم در ۵۲ درصد از قضایا (یا در ۵۲ قضیه از جمله ۱۰۰ قضیه) قانون منع خشونت علیه زن را در فیصله هایش استفاده نموده بودند^{۶۰}.
- هرچند یافته های کنونی با یافته های سال قبل شباهت دارد، ولی باید یادآور شد که آمار کلی قضایای رسیدگی شده بر اساس قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم در ولایاتی که یوناما آنها را منجیث نمونه انتخاب نموده اند، هنوز هم نسبتاً اندک می باشد (یعنی از جمله ۶۵۰ قضیه فقط ۱۶۹ قضیه، یا ۲۶ درصد کل قضایای ثبت شده).

^{۵۸} به فهرست ۱۶ ولایت در پاورقی ۱۰ در فوق مراجعه شو.

^{۵۹} به گزارش یوناما تحت عنوان هنوز راه طولانی فرا روی، صفحه ۲ مراجعه شود.

^{۶۰} همان

۳.۴. ثبت و رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان از سوی پولیس ملی افغانستان



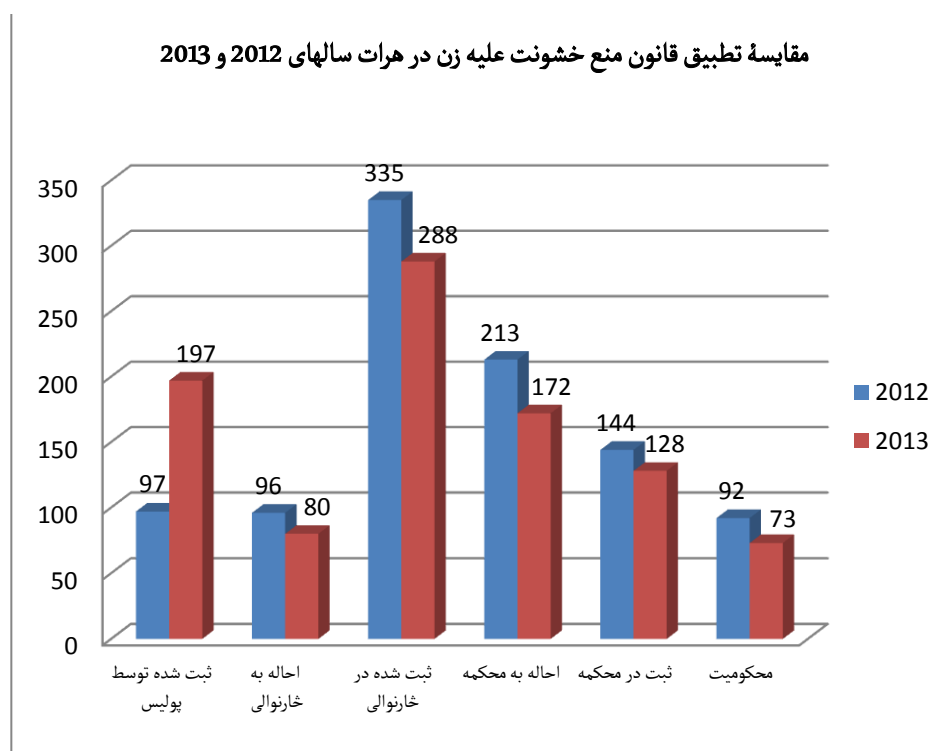
- در ۱۶ ولایت نمونه، یوناما دریافت که در زمان تهیه این گزارش پولیس ملی افغان به تعداد ۵۹۲ مورد رویداد خشونت علیه زنان را ثبت نموده است. در دوره قبل، یوناما دریافت کرده بود که پولیس ۳۶۳ رویداد خشونت علیه زنان را در همین ۱۶ ولایت به ثبت رسانده بود. این خود نشان دهنده ۶۳ درصد افزایش را در ثبت رویدادها توسط پولیس ملی افغان طی یک سال نشان می دهد.
- پولیس به تعداد ۲۴۸ رویداد از جمله ۵۹۲ رویداد گزارش شده را به دفاتر خاړنوالی ارجاع نموده که در مقایسه با دوره قبلی اندکی کاهش را نشان می دهد (۴۷ درصد در دوره قبلی در مقایسه با ۴۲ درصد در دوره فعلی).
- در شمار قضایای خشونت علیه زنان که از طریق میانجی‌گری حل و فصل شده نیز افزایش دیده می شود. در مقایسه با ۲۱ قضیه در دوره قبلی، در این دوره ۴۴ قضیه توسط پولیس میانجی‌گری حل شده است.^{۶۱}
- در دوره قبلی و فعلی، پولیس تقریباً عین تعداد قضایا را میانجی‌گری نموده است.^{۶۲}

^{۶۱} یوناما دریافت که پولیس در ولایت کابل از جمله ۱۷۰ رویداد گزارش شده خشونت علیه زنان به تعداد ۶۵ رویداد آن را با استفاده از میانجی‌گری حل نموده است. در ننگرهار از جمله ۱۲۷ رویداد مشابه ۲۷ رویداد آن از طریق میانجی‌گری توسط پولیس حل شده است. این در حالیست که در هر دو ولایت خاړنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان وجود دارد، ولی میانجی‌گری هنوز هم در هر دو ولایت کاربرد دارد.

- پولیس ۵۷ مورد خشونت علیه زنان را به میکانیزم غیر رسمی حل اختلافات راجع ساخته است. این نشان دهنده افزایش نسبت به دوره قبلی است که در آن دوره ۴۳ واقعه را راجع کرده بود.^{۶۳} ۵۱ واقعه بعد از ثبت توسط پولیس از سوی شاکی ها مورد انصراف قرار گرفتند که در دوره قبلی ۲۷ واقعه مورد انصراف قرار گرفته بود.
- این یافته ها نشان می دهد که در کل اتکاء به میانجیگری توسط پولیس افزایش یافته است و ارجاع به میکانیزم غیر رسمی حل اختلافات کاهش یافته است.

۴.۴. هرات و کابل

یوناما دریافت کرده است که ولایات کابل و هرات در مقایسه با دیگر بخش های کشور در اجرای قانون منع خشونت علیه زن الگوی متفاوتی را از خود نشان داده اند که نسبت به دیگر جاها استفاده این قانون در این دو ولایت بیشتر می باشد.



^{۶۲} پولیس از جمله ۵۹۲ دوسیه ثبت شده بر اساس قانون منع خشونت علیه زن در این گزارش، ۷ درصد آن را برای میانجیگری راجع نموده و در دوره قبلی ۶ درصد (۳۶۳ واقعه) را راجع نموده بود.

^{۶۳} به گزارش یوناما تحت عنوان هنوز راه طولانی فرا روی ...، پاورقی شماره ۳ در فوق مراجعه شود.

ولایت هرات

یوناما در دو سال گذشته میزان بالای رویدادهای گزارش شده خشونت علیه زنان در ولایت هرات و تطبیق فعالانه قانون منع خشونت علیه زن در آن ولایت را به طور مقایسوی مشاهده نموده است. اما در مقایسه با دوره قبلی گزارش دهی، در این دوره میزان تعقیب عدلی و محکومیت رویدادهای خشونت علیه زنان در هرات در کل اندکی کاهش یافته است. این در حالیست که ریاست امور زنان ولایت هرات شمار زیادی از موارد خشونت علیه زنان را در مقایسه با دیگر ولایات به ثبت رسانده است.

در ولایت هرات، پولیس یکجا با خارنوالی طی یک دوره ۱۲ ماهه ۴۰۵ مورد خشونت علیه زنان را در مقایسه با ۴۳۲ مورد خشونت در دوره قبلی به ثبت رسانده اند. پولیس به تنهایی ۱۹۷ قضیه را به ثبت رسانده که ۸۰ قضیه یا ۴۱ درصد آن را به خارنوالی ارجاع نموده و ۱۱۷ قضیه یا ۵۹ درصد دیگر آن را یا به میکانیزم های دیگر مانند میانجیگری راجع ساخته و یا در زمان نوشتن این گزارش هنوز در جریان بوده است. سال گذشته پولیس در ولایت هرات ۹۷ قضیه را ثبت و ۹۶ مورد آن (۹۹ درصد) را به خارنوالی معرفی نموده بود. این آمار و ارقام نشان دهنده افزایش قابل ملاحظه در ثبت قضایا توسط پولیس و در عین حال نشاندهنده شمار بسیار اندک قضایایی می باشد که از سوی پولیس به خارنوالی راجع شده است که خود بیانگر افزایش توسل به میانجیگری توسط پولیس می باشد.

خارنوالان نیز ۲۸۸ قضیه را به ثبت رسانده که از آن جمله ۱۷۲ قضیه یا ۶۰ درصد آن را به محکمه راجع نموده اند و ۵۴ قضیه یا ۱۹ درصد دیگر آن مورد انصراف قرار گرفته اند. در تمام ۱۷۲ مورد قضیه خشونت که به محکمه راجع شده، خارنوالان قانون منع خشونت علیه زن را به عنوان اساس برای پیگیری عدلی استفاده نموده اند. در دوره قبلی، ۳۳۵ قضیه توسط دفاتر خارنوالی به ثبت رسیده بود که ۲۳۴ قضیه یا ۶۴ درصد آن به محکمه ارجاع شده بود. یافته های موجود نشان دهنده کاهش در تعداد قضیه های ثبت شده از سوی خارنوالی و تعداد قضایای احاله شده به محاکم می باشد.

همانند وضعیت در خارنوالی، اسناد محاکم هرات نیز نشان می دهد که تعداد قضیه های ثبت شده و قضایایی که از سوی محکمه فیصله شده اند کاهش یافته است. در دوره گزارش حاضر، محاکم هرات ۱۲۸ قضیه را به ثبت رسانده اند که در مورد ۷۳ قضیه یا ۵۷ درصد آن فیصله الزام صادر کرده اند که در مقایسه با سال گذشته ۱۳ درصد کاهش را نشان می دهد. در دوره گزارش دهی قبلی، محاکم هرات ۱۴۴ قضیه را ثبت نموده بودند که از آن جمله در ۹۲ قضیه یا ۶۴ درصد کل قضایا محکمه فیصله الزام صادر نموده بود.

از جمله کل قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان، در مورد ۷۳ قضیه آن محکومیت صادر شده است. این رقم باید در مقایسه با تمام ۶۹۳ قضیه ثبت شده خشونت علیه زنان در ریاست امور زنان آن ولایت در مدت ۱۲ ماه تهیه این گزارش، ارزیابی گردد. یافته ها نشان می دهد که در هرات شمار زیادی از زنان چنین حوادث خشونت بار را که علیه خودشان رخ داده به نظام عدلی و قضایی گزارش نمی دهند و در عوض برای کمک به ریاست امور زنان مراجعه می کنند.

در کل دیده شده که میزان ثبت خشونت های گزارش شده در هرات بسیار پایین آمده است. همچنان تنها ۴۲ درصد یا (۱۷۲ قضیه از جمله ۴۰۵ قضیه) به محکمه راجع شده است. سایر قضایا اکثراً از طریق میانجیگری رسمی یا غیر رسمی حل و فصل شده است. قضایای که در آن انصراف صورت گرفته اند نیز در واقع توسط میانجیگری به این نتیجه رسیده اند.

ولایت کابل^{۶۴}

در این دوره گزارشدهی، پولیس در ولایت کابل ۲۵۵ قضیه را به ثبت رسانده که از آن جمله ۸۴ قضیه آن به محکمه راجع شده است و سه قضیه دیگر را به میکانیزم سنتی حل اختلافات فرستاده شده است. در حالیکه ۷۳ قضیه دیگر از طریق میانجیگری توسط پولیس حل شده است. ۲۵ قضیه از سوی خود شاکی ها مورد انصراف قرار گرفته است^{۶۵} و ۲۰ قضیه دیگر به اقدامات دیگر راجع شده اند. از آنجایی که اطلاعات در مورد دوره قبلی ولایت کابل در اختیار یوناما قرار داده نشده بود، بنابر این امکان مقایسه این موضوع وجود ندارد.

دفتر خارنوالی در کابل ۹۶۸ قضیه را ثبت و ۱۳۳ قضیه یا ۱۴ درصد آن را به محکمه راجع نموده است. به تعداد ۲۰۵ قضیه یا ۲۱ درصد کل قضایا توسط شاکی ها مورد انصراف قرار گرفته اند^{۶۶}. به تعداد ۱۸۴ قضیه هنوز هم تحت تحقیق و بررسی قرار دارد. در گزارش قبلی، خارنوالی از جمله ۶۷۰ قضیه به تعداد ۱۰۱ قضیه یا ۱۵ درصد آن را به محکمه احاله نموده بود و ۱۷۵ قضیه یا ۲۶ درصد دیگر آن مورد انصراف قرار گرفته بود. همانگونه که در دیگر جاها نیز گفته شد، اکثر قضایایی که از طرف خود شاکی پیگیری نشده و یا مورد انصراف قرار گرفته اند، در واقع همه آنها از طریق میانجیگری رسمی یا غیر رسمی و یا هم از طریق میکانیزم غیر رسمی حل اختلافات حل و فصل شده اند.

^{۶۴} به علت مشکلات در جمع آوری داده ها در کابل، برای این گزارش نتوانستیم یک جدول مقایسوی تهیه کنیم.

^{۶۵} به یادداشت شماره ۲۰ در فوق مراجعه شود.

^{۶۶} همان

هرچند در مقایسه با دوره قبلی، شمار واقعات گزارش شده که از سوی خارتولوی در کابل ثبت شده افزایش یافته، اما تعداد دوسیه هایی که به محکمه راجع شده اند به همان میزان می باشد. هر گونه اطلاعات درباره کابل باید در مقایسه با کل ولایت کابل ارزیابی شود، زیرا کابل پر جمعیت ترین ولایت بوده و در نبود معلومات آماری، مشخص نمودن این که آیا این رقم سطح بالای گزارش دهی را در مقایسه {با سایر نقاط} نشان می دهد یا خیر، مشکل است.

۵. گرایش ها

۵.۱. پیشرفت نابرابر در ثبت و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن

در این دوره گزارش دهی، یوناما مشاهده نموده است که در مقایسه با یافته های قبلی این بار در ثبت حوادث خشونت علیه زنان از سوی نهادهای تنفیز قانون و کاربرد قانون منع خشونت علیه زن از سوی خارتوالان و محاکم پیشرفت هایی صورت گرفته است. خارتوالان و پولیس نسبت به سال قبل این بار حوادث گزارش شده خشونت علیه زنان را بیشتر ثبت نموده اند. با آنهم یوناما شاهد افزایش اندک در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن از سوی محاکم بوده است.

به عبارت دیگر، هرچند ثبت حوادث خشونت علیه زنان به میزان چشمگیری افزایش یافته است، اما افزایش تعداد قضایای که با استناد به قانون منع خشونت علیه زن حل شده اند، نسبتاً اندک بوده است. این می تواند به خاطر کمبود ظرفیت در داخل نیروهای پولیس و دفاتر خارتوالی باشد که نمی توانند قضایای روز افزون خشونت علیه زن را بررسی کنند و یا هم به علت استفاده از میانجیگری که به عنوان یک اقدام کلیدی برای حل شکایات خشونت علیه زنان بکار می رود. در هر دو حالت، یافته ها نشان می دهد که تعداد زیادی از قضایا از طریق میکانیزم های رسمی و غیر رسمی میانجیگری حل و فصل شده اند.

یوناما همچنین مشاهده نموده است که قانون منع خشونت علیه زن در تمام ولایات یکسان اجراء نشده و همینطور بیشتر به مراکز شهر محدوده مانده است. نهادهای تنفیز قانون به یوناما گفتند که اکثر دوسیه های ثبت شده از مراکز شهرها بودند و تعداد محدود شکایت یا دوسیه ها از مناطق روستایی یا دور دست بخصوص از جاهایی آمده که حضور دولت و واحد های رسیدگی به قضایای فامیلی پولیس کم رنگ می باشد.

یوناما دریافته که اکثر واقعات خشونت در روستاها بصورت کلی و خشونت علیه زنان بصورت خاص هنوز هم از طریق میکانیزم های غیر رسمی حل اختلافات رسیدگی می گردد که در بسا موارد مکافات های اعمال شده اند که برای زنان زیان بار بوده اند. به گونه مثال، در اپریل

۲۰۱۳ یک دختر ۱۵ ساله بخاطر فرار از منزل با یک مرد در ولسوالی آب کمری ولایت بادغیس به مرگ در ملاء عام محکوم گردید و کشته شد. مرد فرار کرد و خود را در جایی پنهان کرد ولی دختر دستگیر گردید و کشته شد. بعداً وقتی پولیس این قضیه را ثبت کرد، یکتا از عاملین این قضیه دستگیر و مجرم شناخته شد. این شکل عدالت که در آن یک دختر زیر سن بخاطر رابطه جنسی قبل از ازدواج به مرگ در ملاء عام محکوم می شود، هنوز هم به طور گسترده شایع است و اکثراً با به با استناد به فرهنگ محلی و سلبه این رویه ت ادامه می یابد.^{۶۷}

از جمله ۱۶ ولایتی که یوناما در آن مطالعه انجام داد، ولایت هایی که در آن دفاتر خارتولی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان ایجاد شده، نسبت به ولایات فاقد این اداره، شمار زیادتری از قضایای خشونت علیه زنان را به ثبت رسانده اند. در ولایات کابل، بلخ، هرات، بدخشان و ننگرهار این واحدها بسیار فعال بوده و یوناما نیز دریافته که این دفاتر شمار زیادی از موارد خشونت علیه زنان را به ثبت رسانده اند. لازم به ذکر است که در ولایات کابل و ننگرهار تعداد زیادی از دوسیه ها از طریق میانجیگری نیز حل شده اند.^{۶۸}

یافته ها همچنین نشان می دهد که تطبیق قانون منع خشونت علیه زن به معنی این نیست که تصامیم محاکم همیشه به نفع زنان قربانی باشد. به نظر میرسد که در بعضی موارد به کاربردن قانون جزاء به سود قربانی بوده، بخصوص در مورد تجاوز جنسی که نسبت به قانون منع خشونت علیه زن در قانون جزاء به وضاحت بیشتر تعریف شده است. همچنین در جرم "لت و کوب" (مندرج در ماده ۲۲ قانون منع خشونت علیه زن تحت عنوان جراحت و معلولیت و در ماده ۲۳ تحت عنوان لت و کوب تصریح شده^{۶۹})، قانون منع خشونت علیه زن برای مجازات به قانون جزاء استناد می کند. همانگونه که قبلاً ذکر شد، قانون منع خشونت علیه زن چندین عمل خشونت آمیز علیه زنان بشمول تجاوز جنسی، اجبار به فحشاء، نشر هویت یک قربانی، سوزاندن یا استفاده از مواد کیمیاوی یا مجبور نمودن به خود سوزی و یا خودکشی را به عنوان "عمل جرمی" تعیین نموده است.^{۷۰} این جرایم بر اساس قانون منع خشونت علیه زن و یا قانون

^{۶۷} نظارت ساحوی یوناما، اپریل ۲۰۱۳، (به روز شده در نومبر ۲۰۱۳)

^{۶۸} به پاورقی ۶۱ در فوق مراجعه شود.

^{۶۹} به پاورقی شماره ۴ در فوق درباره قانون منع خشونت علیه زن مراجعه شود. ماده ۲۲: جراحت و معلولیت: شخصی که زن را مورد ضرب و جرح قرار دهد، حسب احوال و با نظرداشت شدت و خفت جرم مطابق به احکام مندرج مواد ۴۰۷ الی ۴۱۰ قانون جزاء مجازات میگردد. ۲. هرگاه اعمال مندرج فقره ۱ این ماده منجر به مرگ مجنی علیها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی مندرج مواد ۳۹۵ الی ۳۹۹ قانون جزاء محکوم میگردد. ماده ۲۳، لت و کوب: شخص که زن را مورد لت و کوب قرار دهد ولی منجر به جراحت یا معلولیت وی نگردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد محکوم میگردد.

^{۷۰} به پاورقی شماره ۴ در فوق، قانون منع خشونت علیه زن، فصل ۳ مراجعه شود

جزاء مستلزم تعقیب عدلی است و دولت با استناد به قانون منع خشونت علیه زن یا قانون جزا و یا هر دو باید این جرایم را تحت پیگرد عدلی قرار دهد.

یوناما دریافته که لت و کوب شایع ترین عمل جرمی است که با استناد به قانون منع خشونت علیه زن ثبت شده است. همچنین میزان دوسیه های ثبت شده خودسوزی از سوی پولیس نیز افزایش یافته است. تعقیب غیر قانونی و زندانی نمودن زنان و دختران به اتهام "فرار از منزل" که در اکثر موارد علت آن فرار از خشونت بوده با وجود رهنمودهای دولت برای پایان دادن به این گونه اعمال هنوز هم ادامه دارد. (به بخش زیرین مراجعه شود)

۵. ۲. استفاده روز افزون از میانجیگری

در این گزارش اصطلاح میانجیگری، بر اساس ماده ۵۴ قانون اساسی افغانستان به معنی "تلاش برای رفع اختلافات خانوادگی از طریق توافق دو جانبه و صلح میان دو طرف" می باشد^{۷۱} تا بتوان شیرازه خانواده را حفظ نمود^{۷۲}. در تئوری، میانجیگری بدین معنی است که هر دو طرف دعوی باید شرایط خویش را بر اساس حقوق تضمین شده در قانون افغانستان مشخص نموده و در صورت دخیل بودن نهادهای تنفیذ قانون در این پروسه یک توافق کتبی بنام "تعهد نامه" را امضاء کنند. با توجه به قدرت نابرابر میان زن و مرد در جامعه افغانی، اکثر اوقات مذاکره یا توافق عادلانه میان طرفین ممکن نمی باشد. به دلیل هنجارهای فرهنگی، دیگر اعضای خانواده و افراد محل نیز درگیر مسئله می شوند و بر اساس معیارهای فرهنگی، و نه طبق یک چارچوب حقوقی، مذاکره را به پیش می برند. نهادهای تنفیذ قانون مانند واحد رسیدگی به قضایای خانوادگی در پولیس ملی افغان وظیفه دارند تا در اینگونه قضایا در گام نخست به میانجیگری متوسل شوند اما هیچگونه معیار یا رهنمود مشخصی در خصوص تنظیم میانجیگری وجود ندارد.

یوناما دریافته که پولیس و خارتوالان به طور فزاینده به میانجیگری جهت حل قضایای خشونت علیه زنان متوسل می شوند. این وضعیت باعث نگرانی جدی در خصوص ظرفیت آنها می شود، زیرا اکثر مسئولین پولیس ملی و کارمندان خارتوالی که به حل قضایا از این طریق اقدام می کنند، هیچگونه آموزش در آن خصوص ندیده اند و یا اطلاعات لازم را در راجع به فرایند میانجیگری و قانون منع خشونت علیه زن ندارند. نگرانی های دیگر شامل تهدید قربانی با

^{۷۱} به ماده ۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در پاورقی ۴۸ در فوق مراجعه شود.

^{۷۲} ملاقات با دفتر لوی خارتوالی در اگست ۲۰۱۳، همچنین ملاقات با واحد رسیدگی به پرابلم های فامیلی در سپتمبر ۲۰۱۳ ملاحظه گردد.

استفاده از موقف این مردان و فقدان نظارت یا پرتکول لازم چه در قانون و چه در رهنمودهای تشکیلاتی برای پیگیری قضایای میانجیگری شده می باشد.

همچنان، یوناما دریافت که بجای پیگیری طرز العمل های لازم حقوقی، پولیس ملی و دفاتر خائوالی هنوز هم خیلی از قضایا، بشمول قضایای جرایم جدی را بخاطر مشوره یا حل به میکانیزم غیر رسمی حل اختلافات مانند جرگه یا شور/ها راجع می سازند، که این گونه رفتار تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را با مشکل مواجه ساخته و مانع رفتار خشونت آمیز نمی شود.^{۷۳} به گونه مثال در زمان گزارش دهی در ولایت سمنگان از جمله ۵۵ قضیه ثبت شده از سوی پولیس، ۲۲ قضیه آن به میکانیزم غیر رسمی حل اختلافات راجع شده بود. همانگونه که یوناما در گذشته گزارش داده بود، تصامیم برخاسته از این گونه اقدامات و تصامیم گرفته شده بر اساس یک سنت مختلط، شامل برداشت یا تفسیر از قانون اسلام و رابطه قدرت های محلی می باشد که گاهی اوقات در مغایرت با قانون و یا اصول دینی می باشد. در نتیجه، بخش های آسیب پذیر جامعه بخصوص زنان و کودکان اکثر اوقات قربانی این گونه تصامیم می شوند.^{۷۴}

علاوه بر آن، مسئولینی که قضایا را جهت میانجیگری راجع می سازند هیچ نظارتی بر میانجیگری یا میکانیزم های غیر رسمی حل اختلافات ندارند و در اکثر اوقات زنانی که بعد از "حل و فصل" موضوع مجبور به بازگشت به خانه می شوند، در معرض خطر بروز مجدد خشونت قرار دارند. نظارت های یوناما بر میانجیگری ها و حل غیر رسمی اختلافات نشان میدهد که تصامیم بین خانواده ها اتخاذ می شود و اگر زنی حمایت و پشتیبانی خانواده اش را با خود نداشته باشد، در موقعی نمی باشد که بر اساس شرایط خود بخاطر حل مشکل پای مذاکره بنشیند. ارگان های تنفیذ قانون دخیل در بحث میانجیگری نیز رهنمودهای روشن را دریافت نمی کنند که این کار به هر فرد دخیل در میانجیگری اجازه میدهد تا معیارهای میانجیگری را به سلیقه خود تفسیر نمایند و تفسیر خود را از چگونگی انجام میانجیگری بصورت قضیه به قضیه بکار ببرند. اگر میانجیگری کنندگان مربوط به ارگان های تنفیذ قانون باشند، آنها نیز قدرت بخصوص خود را دارند که میتوانند گفتگوها را به طرفی دیگر بکشانند.

واحدهای رسیدگی به مشکلات فامیلی مربوط به پولیس ملی فعال در مراکز ولایتی و ولسوالیهای بزرگ وظیفه دارند تا وقعات گزارش شده تحت قانون منع خشونت در برابر زنان را در اولویت کاری خود قرار دهند. به همین دلیل، واحدهای متذکره باید به تعداد کافی کارمندان زن پولیس را استخدام نمایند و در مسایل مربوط به حقوق زن و میانجیگری باید بصورت درست آموزش ببینند. از اینکه واحدهای رسیدگی به مشکلات فامیلی در هر ولایت

^{۷۳} به بخش ۱ در فوق مراجعه شود.

^{۷۴} به پاورقی شماره ۳ صفحه ۲ گزارش یوناما "هنوز راه طولانی فرا روی..." مراجعه گردد.

و ولسوالی موجود نمی باشند، نتیجه اکثراً طوری می شود که افسران عادی پولیس که نه بصورت رسمی آموزش دیده اند و نه به مسایل مربوط به قضایای خشونت در برابر زنان حساس هستند، به میانجیگری قضایا پردازند. علاوه بر این، به اساس نورم های فرهنگی و ارزش های اجتماعی در افغانستان، معمولاً نه برای یک زن مناسب است و نه هم امکان این برایش وجود دارد که زمانیکه تمامی طرف های دخیل در یک روند [دعوی] مرد ها هستند به نفع خود صحبت نماید، از جمله زمانی که پولیس (مجهز با اسلحه) که بالای همگی از اقتدار و قدرت برخوردار هستند، در قضیه حاضر باشد.

۳.۵. فرار از منزل و اقدام به زنا

من با ج. ر. برای مدت پانزده روز تماس تلفونی برقرار نمودم اما او را نه دیده بودم و نه میشناختم. او خواست مرا ببیند و هم تقاضا کرد که اگر هر دوی مان یک دیگر خود را خوش کنیم او از طریق فامیلش از من خواستگاری خواهد کرد. من آن را قبول کردم و به خانه اش رفتم. ما با هم در مهمانخانه منزلش با هم ملاقات کردیم. به مجرد آنکه داخل منزل او شدم، پولیس رسید و هر دوی مان را دستگیر نمود. معاینات طبی من نشان میداد که من هنوز باکره هستم و مرتکب عمل زنا نشده ام اما دوسیه من هنوز هم در محکمه است. قضات برای ما گفتند که اگر ما با هم عروسی کنیم، آنها ما را رها خواهند کرد. شخص مذکور توافق نمود تا با من عروسی کند و خانواده های مان نیز رضایت خود را برای این ازدواج نشان دادند. به خاطر تقاضای قضات، این عروسی باید در محکمه صورت گیرد. من از این وصلت هراس دارم بدلیل اینکه آن پسر را خوب نمیشناسم و امکان دارد که او این ازدواج را فقط بخاطر رها شدن از زندان قبول کرده باشد. اگر من بازداشت نمیشدم، با او عروسی نمیکردم و به تحصیلات خود ادامه میدادم.^{۷۵}

الف الف، دختر ۱۷ ساله که به اتهام اقدام به زنا در ولایت کندز بازداشت شده است.

در بسا موارد، زمانیکه زنان و دختران افغان بدون اجازه محارم شان یا بدون اینکه فامیل های شان را در مورد محل رفت و آمد شان خبر دهند، از خانه بیرون میشوند،^{۷۶} بازداشت می شوند

^{۷۵} نظارت ساحوی یوناما، سپتمبر ۲۰۱۳.

^{۷۶} شوهر یک خانم، یا یک خویشاوند ذکور (مانند، پدر، برادر، کاکا و ماما و برادرزاده ها و خواهرزاده هایش) کسیکه عروسی با او در شریعت جواز نداشته باشد.

و به "فرار از منزل" متهم می گردند. مقامات افغان اینگونه قضایا را مورد بررسی قرار میدهند و به عنوان عمل "شروع به زنا" به ثبت میرسانند.

زنا یک لفظ عربی است که در شریعت دلالت بر معاشرت جنسی (درگیر شدن در عمل جنسی) خارج از رابطه زوجیت دارد. تحت قوانین شرعی، زنا یک جرم حدی به شمار میرود یا یک گناه که مخالف دساتیر الهی می باشد و تطبیق جزای آن لازمی می باشد.^{۷۷} هرچند، زمانیکه زنا به عنوان یک جرم حدی ثابت نگردد، یعنی شواهد و مدارک از مقاربت جنسی قبل از ازدواج یا خارج از رابطه زوجیت در دست نباشد، این جرم در قانون جزاء افغانستان به عنوان یک جرم تعزیری به حساب می آید. جرایم تعزیری در اسلام آنهایی هستند که در منابع اصلی قوانین اسلامی (قرآن و سنت) به عنوان جرایم حدی تصریح نگردیده باشد. جرایم تعزیری عبارت از جرایمی اند که "چگونگی رسیدگی به آن در صلاحیت حاکم شرع" بوده^{۷۸} و وی در مورد مجازات آنها تصمیم بگیرد.

همانطوریکه یادآوری گردید، "اقدام به زنا" نه در قانون جزاء افغانستان به عنوان یک جرم جداگانه تصریح گردیده و نه در شریعت. در افغانستان، بازداشت، تعقیب عدلی، محاکمه، و محکومیت به خاطر "اقدام به زنا" به اساس اختیارات پولیس، خرنوالان و قضات مطابق تفسیرشان از مواد ۴۲۷ و ۲۹ قانون جزاء افغانستان، اکثراً توأم با ارائه قرائن راجع به "قصد" ارتکاب عمل زنا، صورت می گیرد.

در افغانستان، متهم نمودن زنان و دختران به یک جرم تعزیری که از منزل فرار میکنند و دستگیری آنها به اساس مواد ۴۲۷ و ۲۹^{۷۹} قانون جزاء - زمانی که آنها توأمآ تفسیر میگردد- صورت می گیرد که به مثابه مبنایی برای اتهام "اقدام به زنا" یا "قصد انجام زنا" قرار میگیرد. مقامات افغان این دو ماده را بطور مشترک برای متهم ساختن زنان و دختران به قصد شروع به

^{۷۷} در شریعت، زنا به مثابه یک جرم حدی میباشد که نیازمند سطح بالایی از ثبوت می باشد و این عمل باید صورت گرفته باشد (مثلاً، تنها اقدام به انجام زنا کافی نخواهد بود). فقدان شرایط حد در جرم زنا باعث می شود که آن عمل مطابق به ماده ۴۲۶ قانون جزای افغانستان منحبث یک جرم تعزیری مورد رسیدگی قرار گیرد. اما زنا بصورت صریح در قانون جزا تعریف نگردیده است. مصوبه شماره ۵۲۷ ستره محکمه، بخش ۵،۳،۱ در ذیل مبتنی بر یک ظن است و آن اینکه عمل زنا ممکن صورت گرفته باشد زیرا زن مورد نظر که خانه خود را ترک میگوید خود را در معرض این کار قرار داده است. این گمان اساس حقوقی یا قانونی ندارد زیرا گمان به تنهایی خود برای جرم زنا بسنده نیست چون اثبات تقریباً غیر ممکن است. ^{۷۸} G. Benmelha "جرایم تعزیری" در، نظام عدالت جزایی اسلامی ۲۱۱-۲۲۵، Chérif Bassiouni (Ed) (نیویارک: انتشارات اوشن انک، ۱۹۸۲).

^{۷۹} در ماده ۴۲۷ (۱) قانون جزاء افغانستان، در بخش مربوطه آمده است که "شخصی که با مونث زنا یا لواط یا با مذکر لواط نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد". ماده ۲۹ (۱) نیز فقره مربوطه چنین تصریح میدارد "شروع به جرم عبارت است از آغاز به اجرای فعل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه به نحوی که نظر به اسباب خارج از اراده فاعل آثار آن متوقف یا خنثی شده باشد".

جرم زنا تفسیر و مورد استفاده قرار می‌دهند. تحت قوانین شرعی، زنا صرف نظر از حالت مدنی و یا سن یک زن، جرم پنداشته می‌شود.

یوناما از طریق نظارت ساحوی خود مشاهده نموده که ارزیابی مقامات افغان از "قصد یا نیت" در قضایای زنا اکثراً ذهنی بوده و معمولاً بر اساس مدارک ضمنی صورت می‌گیرند و اکثراً بر اساس دیدگاه خانونوال و افسر پولیس مشخصی تصمیم گرفته می‌شود. مثلاً، در شرایطی نشستن یک زن در یک محل عامه با یک مرد که به او محرم نیست میتواند دلیل کافی برای تعقیب عدلی و محکومیت وی به "اقدام به زنا" قرار گیرد و این شرایط را خانونوال با استفاده از تعبیر خویش از مواد مذکور قانون جزاء تعیین می‌کند.

در سپتمبر ۲۰۱۲، حبیب الله غالب وزیر عدلیه، حسن بانو غضنفر وزیر امور زنان و میرزا محمد یارمند معین پیشین وزارت امور داخله رویه متهم نمودن زنان و دختران به "اقدام به زنا" و توقیف غیرقانونی آنها به اتهام "اقدام به زنا" و "فرار از منزل" را مردود شمردند.^{۸۰}

۵. ۳. ۱. مصوبه شماره ۵۲۷ ستره محکمه

در آگست ۲۰۱۰، ستره محکمه مصوبه شماره ۵۲۷ را جهت رهنمایی به لوی خانونوالی (خانونوالان) در رسیدگی به قضایای فرار از منزل صادر نمود. صدور این مصوبه یک گام مثبت پنداشته میشد، اما در عمل، تغییرات اندکی صورت گرفته است. طبق مصوبه، خانونوالان و محاکم باید مشخص نمایند که آیا دختر و زنی که منزل را ترک گفته مجرد بوده یا متاهل، علت و انگیزه او برای فرار از منزل چه بوده، و مکان که او رفته کجا بوده است (خانه یکی از خویشاوندان یا کدام بیگانه). اما، مصوبه شماره ۵۲۷ همچنان تاکید می‌ورزد که اگر یک زن و یا دختر به خانه یک بیگانه می‌رود، او خودش را در معرض زنا و دیگر جرایم مرتبط قرار میدهد که طبق قوانین شرعی غیر مشروع پنداشته می‌شوند و از این جهت منع اند و به مثابه عمل "اقدام به زنا" قابل مجازات می‌باشند. این کار به مقاماتی که به فقه حنفی اتکاء نموده و قانون جزاء را تطبیق مینمایند، اجازه میدهد تا زنان را به جرایم "فرار از منزل" و "اقدام به زنا" متهم نمایند.

در عمل مصوبه شماره ۵۲۷ به جای اینکه حق هر زن مبنی بر خارج شدن از خانه بدون محرم شرعی را به رسمیت بشناسد، از خانونوال می‌خواهد که مقصد زن از فرار از منزل را مشخص نماید که به این ترتیب این مصوبه با زن به عنوان مظنون به ارتکاب جرم برخورد می‌کند. این کار به مفتشین اجازه میدهد تا حالت مدنی زن و جایی را که او از آنجا فرار کرده است، معلوم کنند. اگرچه انگیزه او برای فرار از منزل مد نظر گرفته میشود، اما هیچ دستوری برای تحقیق از

^{۸۰} جلسه ویژه که از سوی کمیسیون امور زنان، حقوق بشر و جامعه مدنی پارلمان برگزار گردید، کابل، ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۲.

مرتکبین احتمالی خشونت علیه زن مذکور، در صورت مشخص شدن این مسئله که او به سبب خشونت از خانه فرار نموده است، وجود ندارد. در اکثر قضایا، اگر زن و یا دختری نتواند ثابت کند که او خانه خود را بخاطر فرار از خشونت ترک گفته و یا اگر به نهاد مناسبی (مانند ریاست امور زنان) پناه نبرد، او مظنون به "اقدام به زنا" شناخته می شود.

از اینکه مصوبه شماره ۵۲۷ در پیوند با مشخص کردن انگیزه فرار، بر مکانی که زن و یا دختر پس از ترک منزل به آنجا رفته است تاکید زیادی دارد، این مسئله زنان و دختران را در موقعیت آسیب پذیری قرار می دهد. بسیاری از زنان و دختران در افغانستان به آموزش دسترسی نداشته اند و ممکن از وجود نهادهای دولتی (مانند ریاست های امور زنان) خبر نباشد تا بتوانند در هنگام ترک منزل به آنجا بروند. علاوه بر این، این نهادها در بسیاری از ولایات وجود ندارند و در خیلی موارد دسترسی زنان و دختران به این نهادها آسان نیست. یوناما بدین باور است که زنان و دختران نباید به دلیل عدم آگاهی شان یا عدم دسترسی شان به نهادهای تعیین شده دولتی در اثنا فرار از منزل، مورد مجازات قرار بگیرند.

۵.۳.۲. رهنمود ۹۲/۲۰۲ لوی خارنوالی در پیوند با "فرار از منزل"

به منظور تقویت رویکرد ستره محکمه، رهنمودهای دیگری به شمول رهنمود شماره ۹۲/۲۰۲، مورخ ۱۱ اپریل ۲۰۱۲ لوی خارنوالی صادر گردیدند که در آن از خارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان خواسته شده است تا به تمامی ادارات خارنوالی دستور دهند که در برابر زنانی که از منزل فرار میکنند اتهام "فرار از منزل" یا "قصد ارتکاب زنا" را وارد نمایند زیرا این عناوین در قوانین مدون افغانستان جرم شمرده نشده است.^{۸۱}

در دسامبر ۲۰۱۲، ستره محکمه نامه (شماره ۸۲۰/۳۴۷) را عنوانی لوی خارنوالی فرستاد با ذکر این مطلب که فرار از منزل به قصد رهائی از خشونت های خانوادگی و طلب کمک از نهادهای عدلی و قضایی، سازمان های مساعدت های حقوقی یا اقارب زن جرم به شمار نمیرود و نباید مورد پیگرد قانونی قرار بگیرند و محاکم و خارنوالان نباید اصطلاح "فرار از منزل" را برای اینگونه قضایا در پرونده های قضایی بکار ببرند.^{۸۲} با وجود آن، در این نامه تذکر داده شده است که با قضیه فرار از منزل به هر دلیل دیگری به جز فرار از خشونت باید بطور متفاوت برخورد صورت گیرد و باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرند. مشکل اساسی این روش این است که موضوع برخورد با زن یا دختری که منزلش را ترک گفته به مثابه مظنون هنوز پابرجا است

^{۸۱} رهنمود شماره ۹۲/۲۰۲-۱۱ اپریل ۲۰۱۲ لوی خارنوالی که توسط آن اداره در اختیار دفتر یوناما قرار گرفت.

^{۸۲} مکتوب شماره ۳۷۷/۸۲۰، مورخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۲ ستره محکمه - ستره محکمه این مکتوب را با یوناما شریک کرد.

و څارنوال اجازه دارد تا دلایلی را که او را مجبور به ترک منزل نموده، دریابد؛ یک تصمیم خیلی ذهنی که میتواند در نبود هر گونه دلایل و مدارک قطعی فوق الذکر اتخاذ گردد.

اطلاعاتی که از سوی ستره محکمه پیرامون سه ولایت بلخ، کابل و هرات در اختیار یوناما قرار گرفته نشان میدهد که زنان و دختران هنوز هم بخاطر ترک منزل و اقدام به زنا زندانی میگردند که این خود نقض رهنمود لوی څارنوالی و دستور ستره محکمه میباشد. ستره محکمه بین مارچ ۲۰۱۲ و مارچ ۲۰۱۳، محکومیت ۲۸۳ فرد (اکثراً زن) را بخاطر زنا و محکومیت ۷۱ تن دیگر را برای فرار از منزل و اقدام به زنا در این سه ولایت به ثبت رسانده است. در ولایت تخار، محکمه ۴۸ زن و دختر جوان را برای فرار از منزل و اقدام به زنا محکوم نموده است.^{۸۳}

یوناما تأکید می کند که تعداد روز افزون زنان و دخترانی که به عمل "اقدام به زنا" متهم می شوند، در مغایرت با تعهدات حقوقی افغانستان به موجب حقوق بشر دوستانه بین المللی میباشد.^{۸۴} تفسیر وسیع زنا که شمولیت "نیت اقدام به زنا" را اجازه میدهد و تا حال از سوی مقامات عدلی و قضایی مورد تطبیق قرار میگیرد، در برابر زنان تبعیض روا میدارد و حق اساسی زنان و دختران به آزادی گشت و گذار را نقض می نماید. جرم شمردن آزادی گشت و گذار خیلی از فرصت های دیگر را برای زنان محدود می سازد و آنها را وامیدارد تا در یک موقف مادون در جامعه باقی بمانند. این رویه بر رفتارهای کلیشه ای تبعیض آمیز از نگاه جنسیت اجتماعی مبتنی می باشد که در فرهنگ افغان ها مورد پذیرش قرار دارد و ترویج می شود.

یوناما از دولت و مقامات عدلی و قضایی می خواهد که رهنمودهای لوی څارنوالی و ستره محکمه را به منظور حصول اطمینان از اینکه زنان و دختران بخاطر "اقدام به زنا و یا فرار از منزل" محکوم و زندانی نمی گردند، روشن سازند و آنها را عملی نمایند. به عنوان یک مسئله فوری، مقامات باید تمامی قضایا را بدون تاخیر مورد بررسی قرار دهند و آن تعداد زنان و دخترانی را که به اشتباه زندانی شده اند، فوراً رها نمایند.

^{۸۳} مصاحبه، نظارت ساحوی یوناما، اکتوبر ۲۰۱۳، ولایت کندز.

^{۸۴} ماده ۲ (ج) (ج): کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض در برابر زنان، "اتخاذ تمامی اقدامات، به شمول تدابیر قانونگذاری، برای اصلاح یا الغای قوانین موجود، مقررات؛ و رفتارهای موجود که تبعیض را در برابر زنان روا میدارد". ماده ۵، "دول عضو تمامی اقدامات مناسب را جهت تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی، سلوک رفتار مردان و زنان جهت محو تعصبات و رسوم و دیگر رفتاری ها که مبتنی بر نظریه برتری طلبی جنسی هریکی از جنس مذکر یا مونث اند یا مبتنی بر نقشهای کلیشه ای زنان و مردان می باشد، اتخاذ نماید؛ نظریه عمومی شماره ۱۹ کمیته کنوانسیون منع تمامی اشکال تبعیض در برابر

زنان <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/recommendations/recomm.htm>

۵. ۴. زنان در ساختار پولیس

یوناما مشاهده نموده که زنان افغان در زندگی روزمره خود با تهدیدات، تبعیض و ارباب و اکثراً خشونت روبرو هستند. آنها نه تنها مورد هدف گروهای شورشی قرار دارند بلکه همچنان بعضی اوقات با تهدیدات، ارباب و آزار و اذیت جنسی در نهادهای دولتی نیز مواجه میباشند. نیروهای پولیس یکی از نهادهایی است که زنان فقط یک درصد از کل این نیروها را تشکیل میدهند و بیشتر آسیب پذیر هستند. وزارت امور داخله تلاش های زیادی نموده تا رقم پولیس زن را افزایش دهد، اما میکانیزم ها برای حفاظت زنان در برابر سوء استفاده و آزار و اذیت جنسی در داخل پولیس ضعیف بوده و تطبیق نمی گردند. یوناما مشاهده نمود که وضعیت فعلی زنان در پولیس ملی جوابگوی حفاظت، پیشرفت و تساوی جنسیتی شان نیست. توظیف تعداد اندکی از زنان در قوت های پولیس، قربانیان زن را که با خشونت مواجه گردیده اند از مراجعه برای ثبت شکایات شان دلسرد می سازد.

یوناما از وزیر داخله خواست تا اقداماتی را جهت بهبود بخشیدن اوضاع کاری و وضعیت زنان پولیس در تلاش برای حفاظت بهتر از پولیس زن در برابر سوء استفاده از صلاحیت و وظیفوی و آزار و اذیت جنسی، اتخاذ نماید که این کار به نوبه خود میتواند در تلاش ها برای رسیدگی به خشونت در برابر زنان در سراسر کشور کمک می نماید.

۵. ۵. چالش های اساسی

طوریکه در گزارش های قبلی آن دریافت گردیده بود، یوناما تصریح میدارد که بسیاری از چالش هایی که زنان و دختران افغان با آن روبرو هستند، هنوز پا برجاست. این نشان میدهد که چگونه نبود یک استراتژی جامع و با منابع کافی برای رسیدگی به خشونت در برابر زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، تلاش ها برای حفاظت از زنان و دختران در برابر خشونت و رسوم و عنعنات مضر را بطلی کرده است.

سطح پائین آگاهی ارگان های تنفیذ قانون، گرایش های تبعیض آمیز فرهنگی و دیدگاه های منفی در جوامع، مهمترین موانع در راستای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن می باشند. یوناما مشاهده نموده است که عدالت به شکل سلیقه ای و گزینشی اجرا می شود و بر تقویت نورم ها و ارزش های اجتماعی که علیه زنان تبعیض قایل می شوند (مثلاً تاکید بالای بازداشت و محاکمه زنان برای فرار از منزل و قصد زنا) تمرکز بیشتر می نماید و هیچ تاکیدیدی بر بازداشت و محاکمه متخلفین مرد صورت نمی گیرد.

۵.۵.۱. نبود کارمندان توانمند زن در صفوف پولیس

موضوع ظرفیت پایین پولیس به عنوان مسئله ای که اکثراً بررسی درست واقعات خشونت در برابر زنان و استفاده از رسیدگی قضایی را به تاخیر مواجه می نماید، به مشاهده رسید. یوناما مشاهده نموده که تعداد قابل ملاحظه ای از زنان برای گزارش دادن خشونت های که علیه شان ارتکاب می یابد به پولیس مراجعه نموده اند، و به همان اندازه تعداد قابل ملاحظه ای از زنان پرونده های شان را پس گرفتند یا اینکه پرونده های شان از طریق میانجیگری حل و فصل شده اند. به اساس گفتگوهای یوناما با یک تعداد از این زنان، ملاحظه گردید که درک و حساسیت در برابر خشونت علیه زنان که برای گزارش دهی آن به ادارات مراجعه می کنند در سطح پائین قرار دارند. به این دلیل که اکثر نیروهای پولیس را مردان تشکیل می دهند و ممکن است نسبت به وضعیت زنان حساسیتی نداشته باشند، این امر زنان را از گزارش دهی دلسرد می سازد. این حالت از تفاوت در رقم واقعاتی که به ریاست های امور زنان گزارش شده در مقایسه با واقعاتی که به ارگان های تنفیذ قانون گزارش شده است، استنباط می گردد. نبود زنان توانمند در صفوف پولیس به عنوان افسران تحقیق نیز بسیاری از زنان را از دسترسی به عدالت بازداشته است.

۵.۵.۲. تاکید بر میانجیگری موارد نقض قانون منع خشونت علیه زن

در بسیاری از موارد، تاکید بیشتر بر میانجیگری مشاهده شده است که بیانگر قرار دادن حفاظت زنان به مثابه یک امر دارای اولویت کمتر می باشد که اکثراً این میانجیگری منجر به خشونت بیشتر در برابر آنها گردیده است. میانجیگری که توسط افراد و کارمندان پولیس که در این راستا آموزش ندیده اند و مهارت کافی برای میانجیگری ندارند و بدون حکم صریح برای نظارت و یا پیگیری این کار را انجام می دهند، زنان را در معرض خشونت های بیشتر قرار می دهد. در ساختار قوت های پولیس، واحدهای رسیدگی به مشکلات فامیلی مسئولیت میانجیگری را دارند، اما آنها در تمامی ولایات حضور فعال ندارند و تعدادشان کم است. همین مشکل در قسمت واحدهای تخصصی خائنی در برابر خشونت در برابر زنان نیز وجود دارد که از جمله ۳۴ ولایت، تنها در هشت ولایت دفتر دارند و همچنان تجهیزات لازم و کارمندان کافی را در اختیار ندارند. در عین حالیکه در قانون اساسی افغانستان بر ارزش های خانواده و حفاظت شیرازه خانواده اذعان شده است، باید گفته که این ارزش ها نباید بر حقوق و ضمانت های حقوقی مندرج در قانون اساسی برای زنان تقدم پیدا کند یا برتری یابد.

۵.۵.۳. عدم جمع آوری منظم اطلاعات

آنطوری که یوناما قبلاً دریافته بود، آمار رسمی و جامع در مورد رقم واقعات گزارش شده و ثبت شده خشونت در برابر زنان در افغانستان در دست نیست. در قسمت فهرست موارد

خشونت مندرج در قانون منع خشونت علیه زن یک ضابطه معیاری با درک واحد از آن و تشریک موارد مذکور بین نهادهای تطبیق قانون، ریاست امور زنان و ک میسیون مستقل حقوق بشر افغانستان وجود ندارد. این وضعیت چالش های فراوانی را در قسمت شناسایی و ارزیابی دامنه، ماهیت و مقیاس عوامل، موانع و گستردگی واقعات خشونت علیه زنان بوجود میآورد که در صورت شناسایی کامل آنها میتوان راه حل های بهتر و آگاهانه تر برای آن دریافت.

قابل یادآوری است که مقامات افغان کاستی ها در جمع آوری اطلاعات را به عنوان یک مشکل شناخته اند و تحت رهبری وزارت امور زنان پروژه ایجاد بانک اطلاعات برای این مقصد در جریان است. به هر حال، هرگونه تلاش برای جهت دهی جمع آوری اطلاعات باید سیستم های پراکنده جمع آوری اطلاعات راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در نهادهای مختلف را هماهنگ سازد. نبود زیرساخت های فنی در برخی ولایات این مشکل را جدی تر ساخته است. دولت افغانستان تعهد نموده تا پایان ۲۰۱۳ گزارش جامعی در پیوند با تطبیق قانون منع خشونت علیه را به مثابه بخشی از چهارچوب حسابدی دوجانبه توکیو ۲۰۱۲-۲۰۱۳ فراهم نماید که در صورت تحقق میتواند همه نهادهای مربوطه را برای رسیدگی بهتر به خشونت مزمن در برابر زنان و دختران در افغانستان کمک نماید.

۵.۵.۴. نگرش منفی نسبت به (یا عدم آگاهی از) قانون منع خشونت علیه زن

در جریان نظارت ساحوی یوناما، تعداد زیادی از کارمندان قضاء و افسران پولیس، در برابر قانون منع خشونت علیه زن از خود واکنش های منفی نشان دادند و نسبت به تطبیق آن بی اعتنا بودند. این برخورد ها و واکنش ها اکثراً مبتنی بر ارزش های فرهنگی، گرایشات و تمایل به تفسیرهای محافظه کارانه از قوانین شرعی می باشند. این برخوردها زنان را نسبت به گزارش دهی خشونت علیه شان، دلسرد ساخته است.

نبود آگاهی بصورت کل در میان افغان ها یک چالش بزرگ را در برابر تطبیق قانون منع خشونت علیه زن بوجود آورده است که این عدم آگاهی در آمار نسبتاً پائین قضایای خشونت علیه زنان که توسط مقامات ثبت گردیده، به طور واضح متبازل است. اما تاثیر آگاهی بیشتر از قانون منع خشونت علیه زن بر اساس این واقعیت که تعداد قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان در ولایات هرات و کابل به مراتب بیشتر از سایر نقاط کشور بوده است، برجسته می باشد؛ دلیل بلند بودن رقم قضایای ثبت شده در این دو ولایت بلند بودن سطح آگاهی و دسترسی به قانون منع خشونت علیه زن و نیز قسملاً موجودیت خانونالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان می باشد.

۵.۵.۵. آزادی گشت و گذار زنان و اتهامات "اقدام به زنا"

اصرار دوامدار خارنوالان و محاکم افغانستان بر برخورد با پدیده "فرار از منزل" با وجود رهنمودهای صادر شده از جانب ستره محکمه و لوی خارنوالی تهدیدی را در برابر آزادی گشت و گذار زنان بوجود میآورد. تفسیر کلی از زنا که توسط مقامات قضائی صورت می گیرد و امکان شامل ساختن "قصد برای انجام عمل زنا" را در آن میسر می سازد، زنان را با جلوگیری از تحقق حق بشری شان و ایفای نقش شان در انکشاف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان، متضرر می سازد.

۶. نتیجه گیری

به منظور حفاظت کامل زنان و دختران از خشونت، دولت از طریق تطبیق قانون منع خشونت علیه زن راهی در پیش دارد که باید آن را طی کند. اما، این راه روشن، واضح و قابل پیمودن است. یوناما از دولت افغانستان میخواهد تا به پیشنهادات مطرح شده در این گزارش و پیشنهادات کمیته کنوانسیون منع تمامی اشکال تبعیض در برابر زنان به مثابه یک موضوع دارای اولویت در ادامه تلاش هایش برای پایان دادن به خشونت علیه زنان و دختران در افغانستان عمل نماید.

ضمیمه ۱: توصیه های یوناما در گزارشهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ آن و

چگونگی تطبیق آنها

نهاد/ نهادهای مسئول تطبیق	توصیه ها	چگونگی تطبیق	گزارش
وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن	برای کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، بشمول اعضای تشکیل دهنده آنان رهنمود و لایحه کاری را طرح نموده و طرز العمل های را تدوین نماید تا بوسیله آن بتوانند قضایای خشونت علیه زنان را ثبت و پیگیری کنند.	قسماً تطبیق گردیده است (لایحه تدوین شده اما طرز العمل تدوین نشده است)	۲۰۱۱
وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن	اطمینان حاصل نماید که کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن دارای یک دارالانشای فعال بوده تا کمیسیون قادر گردد که بگونه موثری تصامیم و نکات عمل را پیگیری نماید.	معلومات در دست رس نیست	۲۰۱۱
وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن	یک کمیته فرعی را مختص برای تضمین این امر که قربانیان خشونت علیه زن از طریق دریافت خدمات، محافظت و مساعدت های حقوقی حمایت میگردد، بر اساس حکم ماده ۱۶ قانون منع خشونت علیه زن، ایجاد نماید.	تطبیق نشده است	۲۰۱۱
وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن	یک میکانیزم نظارت به منظور بررسی عملکرد کمیسیون های ولایتی و حمایت آنها در تدوین پلانیهای کاری و کسب دانش و مهارت های لازم برای انجام مسئولیت های شان، تأسیس نماید.	قسماً تطبیق گردیده است (گزارش گیری از کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن یکانه میکانیزم در قسمت می باشد)	۲۰۱۱ و ۲۰۱۲
وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن	از جامعه مدنی بشمول نمایندگان نهاد های غیر دولتی فعال در عرصه ای حقوق زنان، مسئولین خانه های امن و همکاران بین المللی دعوت نماید تا آنها در نشست های کمیسیون عالی بطور مشاهد به منظور ارائه	تطبیق نشده است	۲۰۱۱ و ۲۰۱۲

		گزارش راجع به موضوعات مشخص و حمایت فعالانه از کارهای کمیسیون، اشتراک نمایند.	
۲۰۱۲	تطبیق نشده است	وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه قربانیان خشونت علیه زنان به نهادهای ذیرط تنفیذ قانون و پیگیری قضایای آنها در آن ادارات و یا معرفی به ارائه کنندگان خدمات سرپناه، حمایت روانی- اجتماعی، حمایت حقوقی و مراقبت های صحی؛ یکی از ادارت عضو کمیسیون مذکور به نمایندگی از آن این میکانیزم را مطابق به ماده ۱۶ قانون منع خشونت علیه زن انسجام دهد.	وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	تطبیق نشده است	وزارت امور زنان در هماهنگی با وزارت امور داخله، وزارت عدلیه و لوی خائنوالی یک شاخص معیاری برای دسته بندی و طبقه بندی (خشونت علیه زنان) را انکشاف دهد که مشترکاً توسط تمام ارگانهای تطبیق قانون و ریاست امور زنان در ثبت تمام انواع خشونت علیه زنان به شمول قضایایی که در قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری نشده اند مانند قتل های ناموسی، آنچه جرایم اخلاقی گفته میشود و تفکیک آنها از قضایای مدنی؛ مورد استفاده قرار گیرد.	وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	تطبیق نشده است	یک رهنمود را راجع به چگونگی کاربرد میانجیگری به منظور حفاظت کامل قربانیان خشونت انکشاف دهد، طوریکه این رهنمود بتواند مورد استفاده ریاست های امور زنان، پولیس و خائنوالی ها به شمول خائنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان قرار گیرد.	کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	تطبیق نشده است	به والیان هدایت صادر نماید و آنان را متوجه مسئولیت های شان در قبال به عهده گرفتن	حکومت

		مسئولیت رهبری کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، بسازد چنانچه این امر در رهنمود کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تصریح گردیده است.	
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسماً تطبیق شده است	در عالی ترین سطوح به شمول رئیس جمهور، همچنان در انتظار عامه تاکید نمایند که حمایت و حفاظت از حقوق زنان بخش جدا ناپذیر و اولویت اساسی صلح، مصالحه و ادغام مجدد در سراسر افغانستان بوده و ستون مرکزی راهبردهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور می باشد.	حکومت
۲۰۱۲	تطبیق گردیده	در همبستگی با شرکای بین المللی، یک چارچوب نظارت بر اجرای تعهدات مربوط به تساوی جنسیتی، توانمندسازی زنان و تطبیق موثر قانون منع خشونت علیه زن، مندرج در اعلامیه توکیو و فرمان شماره ۴۵ ریاست جمهوری را انکشاف دهد.	حکومت و همکاران بین المللی آن
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسماً تطبیق شده است	اطمینان حاصل نماید که تمام اعمال خشونت علیه زنان که در قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری شده خصوصاً قضایای شدید ، در یک مدت زمان مناسب مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار گیرند.	حکومت
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسماً تطبیق گردیده است (در دوره دوساله استاژ قضایی این قانون تدریس می شود)	اطمینان حاصل نماید که تمام قضات آموزشهایی را راجع به قانون منع خشونت علیه زن دریافت میکنند و این آموزشهای یک بخش الزامی برنامه های آموزشی باشند.	ستره محکمه
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	معلومات در دست نیست	برای محاکم در مورد احکام قانون منع خشونت علیه زن و تطبیق حتمی آن در هماهنگی با سایر قوانین افغانستان هدايات و توضیحات لازم را صادر نماید.	ستره محکمه
۲۰۱۱ و	تطبیق نشده است	در سرتاسر کشور در چوکات محاکم فامیلی	ستره محکمه

۲۰۱۲		و یا محاکم شهری، ایجاد دیوان های اختصاصی رسیدگی برای جرایم خشونت علیه زنان را در نظر بگیرد. قضات موظف در این دیوان ها مهارت های مقتضی را انکشاف داده و دیوان جزایی عمومی را در رسیدگی به انبوهی از دعاوی یاری میرساند. ۸۵	
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	تطبیق نشده است	تفسیر واضح از ماده ۳۹۸ قانون جزا که مجازات قتل هایی را که تحت نام "دفاع از ناموس" ارتکاب میگردد تخفیف میدهد، صادر نماید تا جلو سوء استفاده از این ماده را بگیرد و همچنان در راستای لغو آن نیز اقدام نماید.	ستره محکمه
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	معلومات در دست رس نیست	همراه با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و مرکز ملی آموزش حقوقی، برای کارمندان ارگانهای عدلی و قضایی دوره های آموزشی را در مورد قانون منع خشونت علیه زن برگزار نماید. قضات و خازنوالانی را که این قانون را موفقانه تطبیق کرده اند در آموزش دیگران دخیل سازند.	وزارت عدلیه
۲۰۱۱	قسماً تطبیق گردیده است	اطمینان حاصل نماید که هر قانونی که رابطه میان نظام عدالت رسمی و ساختارهای سنتی حل منازعات (جرگه ها و یا شوراها) را تعریف و تعیین می کند، مطابقت این ساختارها را با قوانین داخلی بشمول قانون منع خشونت علیه زن بهبود بخشیده و آنها را از رسیدگی به جرایم خشونت بار و شدید منع بدارد.	وزارت عدلیه
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسماً تطبیق گردیده است	به تمام خازنوالان هدایت داده و روشن سازد که کدام نوع قضایا باید تعقیب جزایی	لوی خازنوالی

۸۵ فقره ۲ ماده ۵۰ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۴ ملاحظه گردد. ".....ستره محکمه می تواند عند الضرورت دیوان های دیگری را در چوکات محاکم ابتدائیه مراکز ولایات بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید".

		گردد و کدام موارد را میتوان به میانجگری راجع کرد. اطمینان حاصل نماید که تمام جرایم شدید خشونت علیه زنان مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.	
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	معلومات در دست رس نیست	اطمینان حاصل نماید که ریاست خارنوالی جزای عمومی و سایر ریاست های مربوطه لوی خارنوالی از نحوه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالی ها، نظارت به عمل می آورند.	لوی خارنوالی
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	تطبیق نشده است	توظیف خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل به نظارت و پیگیری تمام قضایای خشونت علیه زنان که به ستره محکمه میرسد را مورد بررسی قرار دهد. این امر میتواند در تشکیل سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) لحاظ گردد.	لوی خارنوالی
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسمت تطبیق شده است	به ایجاد و حمایت از کمیسیون ها و یا واحدهایی که مختص تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان می باشند در دفاتر خارنوالی های ولایتی، ادامه دهد و منابع بشری واجد شرایط و منابع لوجستیکی کافی در اختیار آنها قرار دهد.	لوی خارنوالی
۲۰۱۲	تطبیق نشده است	یک بانک اطلاعات مرکزی را (Central Database) برای تمام قضایای خشونت علیه زنان از تمام خارنوالی ها به شمول خارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ایجاد نماید. تحقیق و تعقیب عدلی درست قضایای خشونت علیه زنان را با استفاده از افزودن شاخص اجراءات خارنوالان در قبال رسیدگی به اینگونه قضایا در سیستم ارزیابی اجراءات لوی خارنوالی ، تشویق نماید.	لوی خارنوالی
۲۰۱۱	تطبیق نشده است	خارنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان در کابل را ارزیابی نماید تا معلوم گردد که چرا از مجموع دوسیه های ثبت شده	لوی خارنوالی

		تعداد اندکی آن مورد پیگرد قانونی قرار گرفته و چطور می توان کار های این اداره را بهبود بخشید.		
وزارت داخله	امور	حساس سازی پولیس در قبال خشونت علیه زنان و نقش آن در پاسخ دهی به نیازمندی های قربانیان را مطابق قانون من حیث بخشی از آموزشهای اساسی پولیس بگنجاند.	تطبیق گردید	۲۰۱۱ و ۲۰۱۲
وزارت داخله	امور	آموزشهای خاصی راجع به قانون منع خشونت علیه زن برای تمام کارمندان واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی دایر نماید.	تطبیق نشده است	۲۰۱۱ و ۲۰۱۲
وزارت داخله	امور	برای اداره تحقیقات جنایی پولیس، بشمول واحد پاسخدهی به خشونت های فامیلی، رهنمودهایی را صادر نماید که در آن انواع تخلف هایی را که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن مواردی را که پولیس میتواند میانجیگری کند واضح و روشن سازد، و اطمینان حاصل کند که قضایایی که توسط پولیس به میانجیگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجیگری میگردد، بشکل درست ثبت و بطور رسمی مستند شود.	تطبیق نشده است	۲۰۱۱ و ۲۰۱۲
وزارت داخله	امور	اطمینان حاصل نماید که تمام زنانی که برای دریافت کمک به پولیس مراجعه میکنند، بتوانند به طور بلا واسطه و فوری با واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی مشوره نمایند.	قسمت تطبیق گردیده است	۲۰۱۱ و ۲۰۱۲
وزارت داخله	امور	اطمینان حاصل نماید که واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی بخشی از ریاست عمومی تحقیقات جنایی بوده و کارکنان این بخش از مزایای آموزش ها در مورد شیوه های تحقیق و تفتیش مستفید گردند و همچنان قادر باشند که بطور کامل در تحقیق	قسمت تطبیق گردیده است	۲۰۱۱ و ۲۰۱۲

		جنایت هایی که در آن خشونت های خانگی، تجاوز جنسی و یا سایر انواع خشونت علیه زنان شامل اند، سهم بگیرند.	
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	تطبیق گردیده است	یک بانک اطلاعات مرکزی را (Central Database) برای تمام قضایای خشونت علیه زنان انکشاف دهد و اطلاعات ادارات تحقیقات جنایی، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی و سایر نهادهای ذیربط در پولیس را در آن وارد نماید.	وزارت امور داخله
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسماً تطبیق گردیده است (تماس با قربانی مذکور را برای دو هفته حفظ میکند)	به منظور تضمین محافظت از قربانیانی که پس از میانجیگری قضایای شان به خانواده و اجتماع خویش بر میگردند، یک ساختار موثر برای ثبت درست و پیگیری این گونه قضایا ایجاد نماید.	وزارت امور داخله
۲۰۱۲	معلومات در دست رس نیست	ثبت، تحقیق و تعقیب درست قضایای خشونت علیه زنان را با استفاده از افزودن شاخص سنجش اجراءات افسران پولیس خط مقدم در قبال پیگیری اینگونه قضایا در سیستم ارزیابی اجراءات پولیس، تشویق نماید.	وزارت امور داخله
۲۰۱۱	معلومات در دست رس نیست	برای وزارت های امور زنان، حج و اوقاف، عدلیه، صحت عامه، فرهنگ و اطلاعات، معارف و تحصیلات عالی منابع و حمایت کافی را آماده سازد تا آنان بتوانند مطابق قانون منع خشونت علیه زن مسولیت های شانرا ایفاء نمایند.	وزارت مالیه
۲۰۱۱	تطبیق نشده است	اطمینان حاصل کند که تمام فعالیت های کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و کمیسیون های ولایتی آن که مطابق قانون منع خشونت علیه زن مامور گردیده اند، بطور کافی تمویل می شوند.	وزارت مالیه

۲۰۱۱	معلومات در دست رس نیست	در حمایت های شان از ابتکارات دولتی به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن بشمول کمپاین های آگاهی عامه در سراسر کشور و همچنان مساعدت و آموزش کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، افزایش به عمل آورد.	تمویل کنندگان بین المللی
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسمتاً تطبیق گردیده است	از تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۱۳۸۷-۱۳۹۷) به ویژه طرح و اجرای استراتژی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط حکومت، حمایت به عمل آورند.	تمویل کنندگان بین المللی
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲	قسمتاً تطبیق گردیده است	حمایت شان را از مراکز حمایتی زنان که برای زنان قربانی خشونت سرپناه آماده کرده و آنها را مورد حمایت قرار میدهند، افزایش دهند. و همچنین در حمایت شان از واحد ها و کمیسیون های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در دفاتر خانونالی که موارد خشونت علیه زنان را تحت تعقیب عدلی قرار می دهند افزایش به عمل آورد.	تمویل کنندگان بین المللی
۲۰۱۲	تطبیق گردیده است	حکومت افغانستان را در قسمت تطبیق اعلامیه توکیو از طریق سوق دادن کمک های انکشافی خویش به سمت تعهدات داده شده در اعلامیه مذکور راجع به تساوی جنسیتی، توانمند سازی زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، یاری رسانده و یک چارچوب نظارتی مشترک با شاخص های معین جهت سنجش پیشرفت در این عرصه ها را ایجاد نمایند.	تمویل کنندگان بین المللی
۲۰۱۱	معلومات در دست رس نیست	برنامه مساعدت تخنیکی برای کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن راطرح نمایند.	تمویل کنندگان بین المللی

ضمیمه ۲: سفارش‌های کمیته بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اگست ۲۰۱۳

کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

ملاحظات نهایی در مورد گزارش دوره اول و دوم افغانستان*

۱. این کمیته گزارش مقدماتی و دوم دوره ای افغانستان (CEDAW/C/AFG/1-2) را در نشست های ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳، به تاریخ ۱۰ جولای ۲۰۱۳ (CEDAW/C/SR.1132 and 1133) را مشاهده نمایید) بررسی کرد. لیست موضوعات و سوالات کمیته در این سند CEDAW/C/AFG/Q/1-2 و پاسخ های افغانستان در این سند CEDAW/C/AFG/Q/1-2/Add.1 درج می باشد.

A. معرفی

۲. کمیته بسیار سپاسگزار است که دولت عضو؛ گزارش مقدماتی و دوم دوره خویش را تقدیم کرد. همچنان این کمیته پاسخ های تحریری به لیست از موضوعات و سوالات را که توسط گروپ کاری قبل از نشست ترتیب شده بود، نیز قدردانی مینماید. کیفیت ارایه [گزارش] و توضیحات شفاهی بیشتر را که در جریان مباحثه از سوی هیئت در پاسخ به سوالات شفاهی کمیته بیان گردید، نیز استقبال میکند.

۳. کمیته؛ هیئت دولت عضو به ریاست مشاور ارشد وزارت عدلیه- جناب قاسم هاشمزی- را می ستاید. همچنین در ترکیب این هیئت؛ معین وزارت امور زنان، معین وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین و نمایندگان وزارت معارف و مأموریت دایمی افغانستان در مقر ملل متحد در ژنو نیز شامل بود.

B. جوانب مثبت

۴. این کمیته، دولت را به خاطر الحاق بدون تحفظ به کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان می ستاید. همچنان کمیته الحاق به معاهدات بین‌المللی ذیل توسط دولت عضو را نیز مورد استقبال قرار میدهد

(أ) پروتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق اطفال ذیدخل در منازعات مسلحانه، در سال ۲۰۰۳؛

(ب) اساسنامه ی محکمه جنایی بین‌المللی روم، در ۲۰۰۳؛

• توسط کمیته در جلسه پنجاه و پنجم آن به تصویب رسید. (۲۶-۸ جولای ۲۰۱۳).

(ج) کنوانسیون 1951 در مورد وضعیت پناهنده گان و پروتوکول 1967 آن در 2005؛

(د) کنوانسیون یونسکو در مورد مبارزه علیه تبعیض در تعلیم، در 2005، و

(ه) کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مبارزه با فساد اداری، در 2008.

۵. کمیته توأم با سپاسگزاری یاد آور می شود که دولت عضو قوانین را برای محو تبعیض علیه زنان وضع نموده است، به ویژه:

(أ) احکام در قانون اساسی و قانون انتخابات که سهمیه ای ویژه را برای زنان در ولسی جرگه و مشرانو جرگه مقرر داشته، و

(ب) قانون منع خشونت علیه زنان (2009).

۶. کمیته پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (2008-2018) را استقبال میکند.

C. موارد عمده نگرانی ها و پیشنهادات

تطبيق

۷. کمیته از تلاشهای اساسی دولت در دهه گذشته برای ایجاد و تطبيق چارچوب قانونی جهت محافظت و بهبود حقوق زنان بطور کامل آگاه میباشد. با این وجود کمیته؛ ملاحظه نموده است که جو خشونت های مزمن و حاد به ویژه علیه زنان، روند جاری سیاسی و انتقال امنیت دولت عضو را به موقعیت پرچالشی قرار میدهد. کمیته تطبيق کنوانسیون را مؤثر ترین تضمین برای تأمین احترام کامل به حقوق زنان و برخورداری از آن میداند. کمیته از دولت عضو مصرانه می خواهد که در بسیج ملی و [جلب] حمایت های بین المللی به پیشنهادات موجود در ملاحظات نهایی اولویت زیاد بدهد. کمیته از دولت عضو می خواهد که ملاحظات نهایی را از حالا الی پروسه بعدی گزارش دهی بر طبق کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان بدون معطلی با ایجاد میکانیزم هماهنگی ویژه با تمام نهادهای ذیربط دولتی در تمام سطوح، پارلمان (ولسی جرگه و مشرانو جرگه)، قضاء و جوانب دخیل در آن بشمول همکاران بین المللی که فعلاً دولت را در روند انتقال نظامی برای دهه انتقال ملکی و سیاسی همکاری مینماید، تطبيق نماید. کمیته از تطبيق ملاحظات نهایی فعلی حمایت نموده و از نزدیک آنرا نظارت خواهد نمود.

اشتراک زنان در روند صلح و تأثیرات آن بر حقوق زنان

۸. کمیته تعهد رسمی دولت را مبنی براینکه حقوق زنان در مذاکرات صلح مورد معامله قرار نمی گیرد - توسط هیئت نیز تأیید گردید- با رضایت یاد آوری می نماید. با آن هم

کمیته؛ به این نظر است که برای تحقق این تعهدات باید اقدامات عملی اتخاذ گردد. کمیته بورد مشورتی زنان نخبه را که برای حصول اطمینان از اشتراک زنان در روند صلح در تمام سطوح حکومت ایجاد شده است، با خرسندی یاد آور می شود. با این وجود کمیته؛ به طوری جدی نگران این است که مشارکت مؤثر و معنی دار زنان در روند صلح به دلیل عوامل متعدد به خصوص کم بودن عضو زن در شورای عالی صلح (از ۷۰ عضو ۹ نفر)، شامل نساختن زنان در روندهای تصمیم گیری، احتمال خروج مذاکرات صلح از دولت عضو-مانند مذاکرات دوحه، و فقدان ابزارهای کافی برای تضمین مشارکت مؤثر آنها، به خطر مواجه گردد. کمیته همچنان نگران این می باشد که به دلیل موجودیت نگرش ریشه دار پدر سالاری در دولت عضو؛ ممکن منافع و نیاز مندی های زنان در مذاکرات صلح مورد معامله قرار گیرد. کمیته ابراز تأسف می نماید که دولت عضو تا حال نتوانسته پلان کاری ملی خویش را برای تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) شورای امنیت تصویب کند.

۹. کمیته از دولت عضو مصرانه می خواهد که:

(أ) حضور زنان در شورای عالی صلح را افزایش دهد و آنها را کاملاً در تمام مراحل روند صلح و مصالحه به طور مؤثر دخیل سازد، به شمول تأمین فرصت های مساوی و مشارکت فعالانه زنان در فرایند های تصمیم گیری؛

(ب) اطمینان حاصل نماید که اعضای بورد مشورتی زنان نخبه و نهاد های جامعه مدنی که در امور زنان کار مینمایند، در روند صلح و مصالحه بشمول مذاکرات پلان شده دوحه سهیم می گردد؛

(ج) به ماهیت غیر قابل مذاکره بودن حقوق بشر مجدداً تأکید نماید و استراتژی را جهت جلوگیری از هرنوع عقب نشینی در مورد حقوق زنان در مذاکرات صلح اتخاذ نماید؛ و

(د) مسوده پلان کاری ملی را برای تطبیق قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) شورای امنیت تصویب نماید و مطمئن گردد که در مطابقت با کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یک الگوی از تساوی واقعی را که نه تنها بر خشونت علیه زنان کار ساز باشد بلکه بر تمام حوزه های زندگی زنان مؤثر باشد، اتخاذ می نماید.

حفظ دست آوردها در عرصه حقوق زنان

۱۰. کمیته معلومات های ارایه شده توسط هیئت در خصوص تعهد دولت عضو به تقویت چارچوب قانونی وبنیادی مرتبط به حقوق زنان به شمول سهمیه ها برای زنان را همراه با تمجید یاد آور می شود. با این وجود کمیته نگران است که این امر ممکن در زمانیکه دولت در پروسه انتقال قرار دارد، من حیث یک اولویت در نظر گرفته نشود. خاصاً نگران این امر است که چندین عضو پارلمان به ویژه ولسی جرگه تلاش میکنند که احکام موجود در قانون انتخابات را که ۲۵ فیصد کرسی های شورای ولایتی را به زنان اختصاص داده لغو نمایند و احکامی را که در قانون منع خشونت علیه زن برای محافظت زنان می باشد تضعیف نمایند. کمیته همکاری بین دولت عضو و بعضی نهادهای زنان در عرصه های گوناگون را نیز یاد آور میشود.

۱۱. کمیته از دولت عضو مصرانه می خواهد که:

(أ) در مطابقت با کنوانسیون؛ تحکیم دست آوردهای تقنینی را از طریق افزایش در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و قانون انتخابات، من حیث یک اولویت برای ۱۸ ماه آینده قرار دهد؛

(ب) اطمینان حاصل نماید که کمیسیون مشترک ولسی جرگه و مشرانو جرگه که بالای اصلاح قانون انتخابات کار میکند، سهمیه ۲۵ فیصد برای زنان در شورای ملی و شورای ولایتی را حفظ کند؛ طوریکه در حال حاضر در قانون انتخابات درج است؛

(ج) با تصویب بدون تأخیر مسوده قانون خانواده و با تضمین اینکه هر بازنگری قانون جزا و قانون اجراءات جزایی در برگیرنده احکام تبعیض آمیز علیه زنان نبوده و آنها را لغو می نماید، چارچوب قانونی مربوط به حقوق زنان را تقویت نماید؛ تلاشهای خویش را جهت حساس ساختن اعضای پارلمان و شورای ولایتی در قبال حقوق زنان به منظور حفظ دست آوردهای حاصله، افزایش دهد؛ و

(د) همکاری های خویش را با نهاد های زنان به منظور محو خشونت علیه زنان و بهبود دست رسی زنان به آموزش، صحت، عدالت و مشارکت سیاسی افزایش دهد.

تعریف تبعیض

۱۲. کمیته با قدردانی یاد آور می شود که ماده ۲۲ قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی دولت عضو؛ برابری تمام شهروندان و عدم تبعیض را تضمین نموده است. با این وجود، کمیته نگران عدم ممانعت صریح تبعیض بر اساس جنس می باشد.

۱۳. کمیته توصیه مینماید که دولت عضو در مطابقت به مواد ۱ و ۲ کنوانسیون، در قانون اساسی و مسوده مقررۀ منع تبعیض و سایر قوانین مربوطۀ خویش، احکامی را راجع به برابری بین زنان و مردان و ممانعت تبعیض صریح یا ضمنی علیه زنان در قلمرو زندگی عمومی یا خصوصی بگنجانند و همینطور مجازات های را نیز در آنها درج نماید.

میکانیزم های قانونی شکایت

۱۴. کمیته؛ تلاش های دولت عضو را در مورد قابل دسترس ساختن نظام عدالت رسمی برای مردم خویش مخصوصاً برای زنان با استفاده از ایجاد محاکم در نقاط دور دست - محاکم فامیلی، خارنوالی خاص برای خشونت علیه زنان و آموزش قضات زن - یاد آور می شود. کمیته نگران است که علی رغم این تلاشها، پولیس و خارنوالان همچنان قضایای خشونت علیه زنان به شمول خشونت های خانوادگی را به سازوکارهای عدالت غیررسمی (جرگه ها و شوراها) جهت مشاوره یا حل و فصل ارجاع میکنند درحالیکه بسیاری از این قضایا باید رسماً تعقیب عدلی گردد و تصامیم سازوکارهای عدالت غیر رسمی در برابر زنان تبعیض آمیز بوده و تطبیق قوانین موجود را تضعیف میکنند. همچنان نگرانی بیشتر کمیته اینست که اکثرآ زنان توسط خانواده های شان از درج شکایت باز داشته می شوند.

۱۵. کمیته توصیه مینماید که دولت عضو:

(أ) برای پولیس و خارنوالان رهنمودهای را تدوین نماید که در آن نوع قضایای که باید بصورت رسمی تعقیب عدلی گردد، واضح شده باشد؛

(ب) اطمینان حاصل نماید که پالیسی عدالت سنتی تطبیق میگردد؛ و زنان را از امکان به چالش کشیدن تصامیم میکانیزم های عدالت غیر رسمی در نظام عدالت رسمی مطلع سازد؛

(ج) اطمینان حاصل نماید که هر قانونی که رابطه بین نظام عدالت رسمی و میکانیزم های عدالت غیر رسمی را تنظیم میکند مطابقت با تمام قوانین داخلی به شمول قانون منع خشونت علیه زن را بهبود

بخشد و شوراها و جرگه ها را از رسیدگی به نقض شدید حقوق بشر منع نماید؛ طوریکه قبلاً توسط جامعه جهانی پیشنهاد گردیده بود؛

(د) سطح آگاهی پولیس، خارنوالان، قضات و عامه مردم را در قبال اهمیت رسیدگی نقض حقوق زنان به شمول خشونت های خانوادگی از مجرای نظام عدالت رسمی به جای شوراها و جرگه ها، بلند ببرد؛ و آگاهی زنان و دختران از حقوق خویش و راه حل های قانونی را افزایش دهد.

(ه) سطح آگاهی بزرگان قومی و مذهبی از اصل برابری زن و مرد را که در قانون اساسی و کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان درج می باشد، بلند ببرد؛

(و) دست رسی زنان به نظام عدالت رسمی را افزایش دهد؛ شمار افسران پولیس زن و قضات زن را بیشتر سازد و در مطابقت به کنوانسیون متذکره آموزشهای منظم درباره تطبیق قوانین داخلی مرتبط به حقوق زنان را برای پولیس، قضات و خارنوالان و وکلای مدافع فراهم نماید.

عدالت انتقالی

۱۶. کمیته؛ راه اندازی برنامه صلح و ادغام مجدد را یاد آور می شود و نگرانی خویش را در قبال تطبیق ناکافی و مؤثریت محدود آن در رسیدگی به خشونت های مبتنی بر جنسیت که توسط عوامل غیر دولتی ارتکاب یافته ابراز می نماید؛ و همچنان راجع به طرزالعمل ها، روند های تزکیه، و ساختارها در آن، جهت تضمین حسابدگی نیز نگران می باشد. کمیته؛ معلومات ارایه شده توسط هیئت راجع به اتخاذ پالیسی عدالت انتقالی را نیز یاد آور می شود.

۱۷. کمیته پیشنهاد مینماید که دولت عضو:

(أ) اطمینان حاصل نماید که برنامه صلح و ادغام مجدد با اجرای حتمی احکام طرزالعمل ها و روند تزکیه آن و با سهیم ساختن مؤثر جامعه مدنی به خصوص نهاد های زنان، به طور درست تطبیق میگردد؛

(ب) نسبت به تطبیق بی درنگ پالیسی عدالت انتقالی و نظارت از آن در مطابقت با قوانین دولت عضو و تعهدات بین المللی آن به شمول این کنوانسیون، مطمئن گردد.

تشکیلات ملی برای پیشرفت زنان

۱۸. کمیته تأسیس وزارت امور زنان در ۲۰۰۴، ایجاد ریاست های تابعه آن در ولایات و ایجاد واحد های جندر در چندین وزارت را متذکر می شود. اما کمیته نسبت به قلت منابع مالی اختصاص یافته از مجرای بودجه ملی و کمبود کارکنان واجد شرایط در وزارت امور زنان برای انجام وظایف آن وزارت، نگران است. علاوه بر آن کمیته نگران اتکای زیاد وزارت مذکور به وجوه مالی خارجی می باشد که ممکن تداوم دست آوردها در عرصه تساوی جندر و حقوق زنان را در دوره انتقال دولت عضو، متأثر سازد. همچنان نسبت به موجودیت چالش های که مانع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان می شود مانند فقدان منابع و نبود حسابدگی در سطح وزارای مسئول تطبیق این پلان، نگران می باشد.

۱۹. کمیته مصرانه از دولت عضو می خواهد که:

(أ) در مطابقت با اصول چارچوب حسابدگی دوجانه توکیو؛ پایداری وزارت امور زنان را با فراهم ساختن منابع کافی بشری، تخنیکی و مالی برای انجام مأموریتش در راستای برابری جندر و حقوق زنان تأمین نماید، طوریکه یکی از آن اصول میگوید که همکاری بین المللی از مجرای بودجه ملی میتواند ظرفیت نهادهای ملی، انکشاف اجراءات آنها و حسابدگی دولت برای تمام شهروندان را بهبود ببخشد؛

(ب) نسبت به تطبیق پلان کاری ملی زنان من جمله از طریق بودجه های پاسخگوی جندر، نظارت منظم از تطبیق آن با استفاده از شاخص های تعیین شده در پلان مذکور و میکانیزمهای حسابدگی مطمئن گردد؛ و

(ج) چابوب زمانی واضح برای انسجام و تقویت ظرفیت های ملی ومحلی تشکیلات برای پیشرفت زنان را تعیین نماید.

نهاد ملی حقوق بشر

۲۰. کمیته ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را در سال ۲۰۰۲ استقبال میکند. با این وجود نسبت به معلومات که نشاندهنده آنست که روند تعیینات کمیشنران در این اواخر فاقد شفافیت بوده و مشورتی نبوده، عمیقاً نگران است. تمام این عوامل استقلال، موثریت و شهرت کمیسیون در عرصه ملی و بین المللی را در معرض خطر قرار میدهد.

۲۱. کمیته درخواست کمیشن عالی ملل متحد برای حقوق بشر را تکرار نموده و از دولت عضو می خواهد در مطابقت به اصول پاریس و مقتضیات مندرج در چارچوب حقوقی کمیسیون مستقل حقوق بشر، تعیینات کمیشنران در این اواخر را بازنگری نموده و پروسه گزینش را مجدداً باز کند.

خشونت علیه زنان و رفتارهای مضر

۲۲. کمیته نگرانی های عمیق خویش را در مورد خشونت های شایع علیه زنان، بویژه خشونت های خانوادگی، تجاوز جنسی، لت و کوب در دولت عضو اظهار میدارد. این کمیته همچنان در مورد رجم زنان نگران میباشد. کمیته در مورد تداوم نورمهای فرهنگی، رسوم و رفتارهای منفی که برای زنان مضر اند مانند ازدواج های زیر سن، بد دادن، بدل، و ازدواج اجباری، بشمول ازدواج اجباری یوه ها، عمیقاً نگران میباشد. کمیته همچنان در مورد خودسوزی ها و فرار از منزل که در واقع واکنش می باشد در برابر خشونت ها و رفتارهای مضر علیه زنان، نیز نگران است. کمیته نگران است که با وجود تلاش های ملموس برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، به دلیل نقش ثانوی زنان در جامعه، باور های فرهنگی و ترس قربانیان از انتقام گیری توسط خانواده و بدنام شدن در جامعه؛ واقعات خشونت و رفتارهای زیان آور علیه زنان هنوز کمتر گزارش می شود. کمیته در مورد تداوم خانه های امن برای زنان قربانی، و نیاز به افزایش این خانه های امن نگران میباشد.

۲۳. در مطابقت به توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) خویش درمورد منع خشونت علیه زنان، کمیته از دولت عضو مصرانه می خواهد که:

(أ) تدابیری را به منظور مبارزه مؤثر علیه معافیت، به مثابه یک اولویت اتخاذ نماید و تعهد خویش را مبنی بر به خرج دادن مساعی مناسب جهت جلوگیری، تحقیق، تعقیب عدلی و مجازات خشونت های اتکاب یافته علیه زنان توسط عوامل دولتی یا غیر دولتی رعایت نماید؛

(ب) از تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن اطمینان حاصل نماید، به طور مثال از طریق راه اندازی برنامه های آموزشی منظم راجع به قانون مذکور برای تمام افسران پولیس که در واحد های حل پرابلم های خانوادگی ایفای وظیفه میکنند، از طریق اصدار رهنمودها به محاکم راجع به تطبیق این قانون به شمول الزامی

دانستن تطبیق آن همراه با سایر قوانین، و با استفاده از انکشاف یک راهبرد برای حفظ و استخدام پولیس اناثیه؛

(ج) اطمینان حاصل نماید که خانه های امن برای زنان قربانی منابع کافی در اختیار دارد و خدمات را که آنها ارائه میکنند به طور منظم نظارت می شود. به منظور تقویت ارائه خدمات؛ مانند خدمات مشاوره و توانمندسازی مجدد هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ طبابت برای زنان قربانی، خانه های امن را افزایش دهد؛ و یک راهبردی را برای تامین منابع مالی آنها در چاقوب حسابدی دوجانبه توکیو انکشاف دهد؛

(د) یک پالیسی و راهبرد جامع را برای محو تمام رسوم و رفتارهای مضر علیه زنان و دختران انکشاف دهد، و این باید در برگیرنده حساس سازی رهبران مذهبی و قومی به منظور جلوگیری از تفسیر سوء از شریعت و اصول اسلامی باشد؛ همچنان شامل برنامه های آگاهی دهی برای عامه مردم و [از طریق] مطبوعات در همکاری با جامعه مدنی و نهادهای زنان باشد؛ و

(ه) نسبت به ثبت درست قضایای خشونت علیه زنان و جمع آوری اطلاعات دسته بندی شده معیاری از انواع خشونت علیه زنان، اطمینان حاصل نماید.

"جرایم اخلاقی" و جرایم معروف به قتل های ناموسی

۲۴. کیته؛ رویه دستگیری و تعقیب عدلی زنان و دختران را که از منزل فرار میکنند به اتهام "جرایم اخلاقی" و با متهم نمودن آنها به قصد قاطع برای ارتکاب زنا یا شروع به جرم زنا مردود می داند، با درنظر داشت اینکه فرار از منزل در قوانین افغانستان جرم انگاری نشده است. همچنان متأسف است که به خاطر نبود تعریف تجاوز جنسی در قانون جزا، قربانیان تجاوز جنسی به ارتکاب عمل زنا متهم میگردد و مجدداً قربانی می شوند؛ طوریکه بعضی از آنها مجبور می شوند با متجاوزین ازدواج کنند. کیته به شدت نگران آنست که قربانیان تجاوز جنسی و فرار از منزل مجبور می شوند که آزمایش بکارت انجام دهند. به همان میزان نسبت به افزایش قتل های ناموسی و حکم تبعیض آمیز در قانون جزا (ماده ۳۹۸) که به کسانی که دفاعیه قتل ناموسی را پیش کش میکنند حالت مخففه قایل شده است، نیز نگران می باشد.

۲۵. کمیته از دولت عضو مصرانه می خواهد که:

(أ) بدون تأخیر به صدور مجدد متحد المال لوی خارنوالی - صادرهٔ اپریل ۲۰۱۲ - که در آن تصریح شده است فرار از منزل در قوانین افغانستان جرم نیست و هیچ اتهام مبنی بر قصد ارتکاب زنا نباید وارد گردد، مبادرد ورزد؛ و

(ب) به منظور حصول اطمینان از اینکه مرتکبین جرایم معروف به قتل های ناموسی امتیازات قانونی داده نشود، ماده ۳۹۸ قانون جزاء را ملغی نماید و در مطابقت به معیار های بین المللی یک تعریف از تجاوز جنسی را در قانون جزاء بگنجاند.

قاچاق و استثمارِ روسپی گری

۲۶. کمیته از تصویب قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان (2008) آگاه می باشد، اما در مورد عدم تنفیذ و تطبیق آن نگران می باشد. کمیته در مورد معلومات که نشان میدهد بعضی اوقات قربانی های قاچاق انسان به جرم ارتکاب زنا تحت پیگرد عدلی قرار می گیرد، نیز نگران است. علاوه بر آن کمیته نسبت به نبود معلومات در مورد وسعت قاچاق و استثمار از روسپیگری در دولت عضو وهمینطور نسبت به نبود تدابیر محافظتی برای قربانیان قاچاق که حاضر اند شهادت بدهند، نیز نگران می باشد.

۲۷. کمیته از دولت عضو مصرانه می خواهد که:

(أ) در مورد گستردگی قاچاق انسان در داخل و در عرصهٔ بین المللی تحقیق نماید و این تحقیق باید در برگیرندهٔ دامنه، وسعت، عوامل، پیامد ها و اهداف قاچاق باشد؛ همچنان متضمن رابطهٔ آن با ازدواج های زیر سن و "بد دادن" نیز باشد؛

(ب) اطمینان حاصل نماید که قانون مبارزه علیه اختطف و قاچاق انسان (۲۰۰۸) به طور درست تطبیق میگردد و قربانیان قاچاق انسان به اتهام ارتکاب زنا مورد پیگرد عدلی قرار نمی گیرد؛

(ج) مکانیزم های تحقیق، تعقیب عدلی و مجازات قاچاقبران را تقویت نموده و خدمات برای قربانیان قاچاق و روسپی گری اجباری را افزایش دهد و به همین شکل تدابیر برای محافظت شهود را تقویت نماید.

(د) پروتکول سرکوب، جلوگیری و مجازات قاچاق افراد مخصوصا زنان و اطفال را تصویب نماید، این پروتکول مکمل کنوانسیون بین

المللی مبارزه با جرایم بین المللی سازمان یافته (Palermo Protocol) و کنوانسیون سارک (اتحادیه همکاری های منطقه جنوب آسیا SAARC) در مورد منع و مبارزه با قاچاق زنان و اطفال برای روسپگری میباشد.

مشارکت در امور جمعی و سیاسی

۲۸. کمیته؛ تلاشهای دولت از ۲۰۱۱ به اینسو در مورد افزایش حضور زنان در امور سیاسی و جمعی را یاد آور می شود. کمیته مشارکت زنان را برای شناسایی تنوع تجارب آنها در جریان منازعات به شمول قربانی شدن و همچنان بانیان پروسه های صلح، حیاتی می پندارد. با این وجود کمیته نگران مشارکت پایین زنان در تصمیم گیری ها در تمام عرصه های زندگی می باشد. علاوه بر آن راجع به نگرشهای پدرسالارانه ریشه دار از قبیل تحمیل محدودیت بر گشت و گزار زنان و راجع به امنیت شکننده در دولت عضو نیز نگران است چون ممکن این فکتورها تاثیر منفی بر مشارکت زنان به حیث نامزد یا رای دهنده در انتخابات آتی در ۲۰۱۴ داشته باشند. برعلاوه، نسبت به تهدیدات و قتلهای هدفمند علیه زنان که در موقف های بلند اداری کار میکند و زنان که مدافع حقوق بشر اند نیز نگران می باشد. کمیته نگرانی های خویش را در مورد مشارکت پایین زنان در محاکم بالا، در قوه قضائیه و در کل فقدان قضات زن در سطح ستره محکمه بیان میدارد.

۲۹. کمیته از دولت عضو می خواهد که:

(أ) به منظور تقویت مشارکت کامل و برابر زنان در تصمیم گیری ها به مثابه یک اقتضای دموکراتیک در تمام عرصه های امور جمعی، سیاسی و تخصصی در سطوح ملی، ولایتی و ولسوالی؛ پالیسی های پایدار را پیگیری کند، به طور مثال اتخاذ اقدامات موقتی ویژه بر طبق ماده چهار فقره (۱) کنوانسیون و توصیه عمومی شماره ۲۵ (۲۰۰۴) این کمیته؛

(ب) فعالیت های آگاهی دهی را در کل راجع به اهمیت سهم گیری زنان در تصمیم گیری ها، بویژه منحصراً نامزدان یا رای دهندگان با هدف محو نگرشهای پدر سالاری که مانع مشارکت زنان میگردد، روی دست گیرد؛

(ج) نسبت به امنیت مؤثر زنان که در موقف بلند اداری کار میکند و زنان مدافع حقوق بشر اطمینان حاصل نماید؛ و مرتکبین حملات خشونت بار علیه آنها را پاسخگوی اعمال شان بسازد؛

(د) تدابیر مناسب را به منظور افزایش شمار قضات زن در محاکم بالا اتخاذ نماید و نسبت به انتساب زنان در ستره محکمه [منحیث عضو ستره محکمه] اطمینان حاصل نماید.

ملیت

۳۰. کمیته میدانند که مسوده قانون تابعیت، دو ملیتی را به رسمیت می شناسد. این کمیته نگران آمار بلند زنان بدون شناسنامه هویت (تذکره) در دولت عضو می باشد که این امر باعث افزایش خطر بی دولتی زنان و محدودیت بر برخورداری آنها از حقوق شان مانند: تملک زمین و ملکیت و دست رسی به آموزش، صحت و فرصت های استخدام، می گردد.

۳۱. کمیته توصیه مینماید که دولت عضو:

(أ) مسوده قانون تابعیت را تصویب نماید، و

(ب) در مورد اهمیت شناسنامه هویت [تذکره] آگاهی دهی نماید و اطمینان حاصل نماید که زنان به این اسناد دست رسی داشته باشند.

تعلیم

۳۲. کمیته؛ تلاشها به منظور افزایش ثبت نام دختران در مکاتب در تمام سطوح آموزشی را تمجید می نماید و اراده سیاسی برای پیگیری دوامدار این هدف با استفاده از بسیج عمومی را می ستاید. کمیته میدانند که انکشاف پایدار مستلزم وجود نفوس تحصیل یافته و فرصت های برابر برای آنها اعم از زنان و مردان می باشد؛ و اولویت دادن به این امر را کاملاً حمایت می نماید. با این وجود کمیته نگران نرخ بلند بی سوادی بین زنان، آمار پایین ثبت نام دختران در مکاتب مخصوصاً در سطح لیسه، و آمار بلند ترک مکاتب توسط آنها بویژه در روستاها عمدتاً به خاطر نبود امنیت، می باشد. کمیته نگرانی عمیق خویش را راجع به افزایش حملات گروههای مسلح غیر دولتی بالای مکاتب و همچنان وقایع مریض شدن دختران در مکاتب به ظن مسموم شدن آنها، ابراز میکند. همچنان، کمیته نگران حضور پائین زنان در مرحله آموزش عالی است که این امر یک مانع بزرگ در راه استخدام زنان در دفاتر عمومی و سهم شدن آنها در امور جمعی می باشد.

۳۳. در روشنایی تعهدات دولت عضو در چارچوب حسابدهی دوجانبه توکیو، کمیته توصیه می نماید که دولت عضو:

(أ) به منظور بلند بردن نرخ باسوادی در میان زنان و دختران اهداف مشخصی را تعیین و پلان عمل را برای آن تدوین نماید؛ ثبت نام و

حاضری دختران در مکاتب را برای یک دوره معین افزایش دهد و دست آوردهای حاصله در این مدت را نظارت نماید؛

(ب) به تلاشهای خویش در راستای استخدام بیشتر معلمان زن واجد شرایط ادامه دهد و مشوقهای را برای آنها در نظر بگیرد تا نسبت به حضور آنها در سراسر کشور مخصوصاً در نقاط دور دست مطمئن گردد؛ کیفیت آموزش را با استفاده از ترینینگ های دوامدار برای معلمان و بازنگری دوره ای نصاب تعلیمی و کتب درسی جهت برداشتن رفتارهای قالبی جنسیتی، بهبود بخشیده و معیاری سازد؛

(ج) با در نظر داشت کاهش کمک های خارجی، یک راهبرد را برای حصول اطمینان از اینکه خدمات آموزشی حیاتی برای زنان و دختران به اندازه کافی تمویل میگردد، انکشاف دهد؛

(د) اطمینان حاصل نماید که ریاست محافظت تأسیسات عامه وظایف خوش را به طور مؤثر انجام میدهد و درباره چگونگی جلوگیری حملات بالای مکاتب دختران پیشنهادات را طرح میکند؛ و مطمئن گردد که مرتکبین این اعمال خشونت آمیز فوراً تحت پیگرد عدلی قرار می گیرند و مجازات می شوند؛ تدابیری را برای محو ترس و هراس که این واقعات امنیتی در بین دختران و خانواده های آنها ایجاد میکنند و مانع دست رسی دختران به آموزش میگردد، روی دست گیرد؛

(ه) طرز العمل امتحان کانکور برای ورود به دانشگاه ها را باز نگری نماید تعیض را که دست رسی زنان به این سطح از آموزش را شدیداً محدود میکند، از بین بردارد.

اشتغال

۳۴. کمیته؛ پروگرام اولویت دهی به اصلاح و تجدید تشکیلات (PRR) را که بر استخدام زنان در خدمات ملکی تأکید دارد، با رضایت یاد آور می شود. همچنان یاد آور می شود که ۲۱ درصد کارکنان خدمات ملکی زنان اند. کمیته نگران آنست که بسیار از آنها در سطوح پایین مدیریت استخدام شده اند. همچنان راجع به دیدگاه منفی جامعه نسبت کار کردن زنان نگران می باشد. علاوه بر آن نگران آزار جنسی گسترده در محیط کاری می باشد که به طور خاص افسران پولیس اناثیه را متأثر ساخته و استخدام و حفظ زنان در

سکتور امنیتی را زیر سوال می برد. کمیته نگران است که اکثریت زنان در سکتور غیر رسمی (زراعت) و مواظبت اقتصاد (کارهای بومی و کار درخانه) کار میکنند و منحصراً کارگران در قانون شناخته نمی شوند که در نتیجه بدون محافظت باقی می ماند و به تامین اجتماعی و وسایر امتیازات دست رسی ندارند.

۳۵. کمیته توصیه می نماید که دولت عضو:

(أ) تدابیر مؤثر را در مارکیت کار به منظور افزایش مشارکت زنان و محو تفکیک در ستاد و صف، کاهش و ازیمن بردن تفاوت بین مزد زن و مرد و حصول اطمینان نسبت به تطبیق اصل مزد برابر در برابر کاری دارای ارزش برابر و همچنان فرصت های مساوی در کار، اتخاذ نماید؛

(ب) کمپاینهای آگاهی دهی عامه جهت محو کلیشه های منفی نسبت به کار زنان را روی دست گیرند؛

(ج) اقدام بی درنگ را جهت تدوین پالیسی ها و پروگرامها برای جلوگیری و رسیدگی به آزار جنسی در محیط کار به ویژه برای افسران پولیس اناثیه به منظور حفظ آنها در کار، اتخاذ نماید؛ و قانون ویژه را برای ممانعت آزار جنسی در محیط کار وضع نماید. و

(د) یک پلان عمل را برای محافظت زنان که در سکتور های غیر رسمی مانند زراعت و کار بومی بامزد کار میکنند تهیه کند.

صحت

۳۶. کمیته چارچوب پالیسی موجوده دولت عضو را با رضایت یاد آور می شود. با این وجود کمیته راجع به نرخ بلند مرگ و میر مادران، آمار بلند زنان که از فیستولا (Fistula) رنج می برند و نسبت به صدمه روحی شدید که اکثریت بزرگ زنان مخصوصاً در مناطق جنگ زده ای دوردست از آن رنج می برد که این امر میتواند صحت روانی و رفاه آنها را تهدید کند، نگران می باشد. همچنان نگران است که نگرشهای ریشه دار پدرسالارانه و باور های فرهنگی، آزادی گشت و گذار زنان را محدود میکنند و زنان را از تدای توسط اکثران مرد محروم میکنند و دست رسی زنان به ابزارهای ضد بار داری را مشروط به اجازه شوهر می سازند. علاوه بر آن کمیته در باره شمار پایین کارکنان زن آموزش یافته در عرصه مراقبت صحی و ولادت های بدون دست رسی به مراقبت های زایمانی، نگران می باشد. همچنان کمیته نگران است که سقط جنین تنها در موارد که خطر مرگ زندگی مادر را تهدید کند اجازه داده شده است که این محدودیت ها اکثراً منجر به سقط غیر

مصنوع جنین و تهدید زندگی مادر می‌گردد. کمیته بیشتر از آن، نگران تخصیص منابع بشری و مالی ناکافی برای مراکز صحتی مخصوصاً در روستاها می‌باشد.

۳۷. در چار چوکات حسابدهی دوجانبه توکیو و در مطابقت به توصیه عمومی شماره ۲۴ (۱۹۹۹) خویش، کمیته از دوست عضو مصرانه می‌خواهد که:

(ا) اهداف مشخص را تعیین نماید و پلان کاری را جهت حصول اطمینان از تداوم و تقویت سکتور صحت حد اقل جهت جلوگیری از کاهش خدمات موجود برای زنان تدوین نماید؛

(ب) تدابیر مؤثر راجهت کاهش نرخ مرگ و میر مادران، تسهیل دست رسی زنان به مراکز خدمات صحتی، مراقبت های زایمانی و کمک های دارویی توسط کارکنان آموزش دیده به شمول قابله ها اتخاذ نماید، به خصوص برای روستاها و مناطق دور دست؛

(ج) کمپاینهای آگاهی دهی را به منظور از بین بردن نگرشهای پدرسالارانه و باور های فرهنگی که زنان را از دست رسی به خدمات صحتی و روشهای جلوگیری از بار داری محروم میکنند، راه اندازی نماید؛

(د) تدابیر مؤثر را برای افزایش استخدام کارکنان صحتی زن و ارتقای دوامدار ظرفیت آنها روی دست گیرد؛

(ه) دلایل برای سقط جنین را گسترش دهد تا بر اساس آن سقط جنین مخصوصاً در موارد تجاوز جنسی و زنانی با محارم مجاز باشد، و یک رهنمود را برای خدمات صحتی پسا سقط جنین جهت حصول اطمینان از اینکه زنان به این گونه خدمات دست رسی داشته باشد آماده سازد؛

(و) اقدامات مؤثر را برای رسیدگی به وضعیت صحت روانی زنان که از آسیب های روحی و سایر اختلالات روانی رنج می‌برد، اتخاذ نماید؛
و

(ز) تخصیصات بودجوی به سکتور صحت را افزایش دهد، و تخصیص ویژه ای را برای درمان و ادغام مجدد قربانیان دارای فیستولا اختصاص دهد.

فقر و زنان روستایی

۳۸. کمیته ملاحظه نموده است که تقریباً ۸۰ درصد نفوس دولت عضو در روستاها زندگی میکنند. کمیته نگران است که تقریباً ۳۶ درصد نفوس زیر خط فقر زندگی میکنند و اکثریت آنها زنان می باشند. کمیته نگران اتکاء نفوس روستاها، در مناطق معین کشور، به کشت خشخاش من حیث معیشت خویش، می باشد. کمیته همچنان ملاحظه نموده است که وزارت انکشاف دهات یک برنامه ای را اجراء میکند که در آن زنان و مردان روستایی قرضه های کوچک را به منظور اشتغال زایی برای خود شان دریافت میکنند. با این وجود کمیته نگران است که زنان که به این قرضه ها دست رسی دارند اکثراً آنها را به شوهران یا اقارب مرد خویش میدهند. کمیته همچنان در باره مشکلات که زنان برای حصول دست رسی به خدمات صحتی و اجتماعی و مشارکت در فرایند تصمیم گیری ها در سطح جامعه محل رو برو هستند نیز نگران می باشد.

۳۹. کمیته توصیه می نماید که دولت عضو:

(أ) پلان انکشافی جامع را برای مناطق روستایی توأم با دخیل ساختن کامل زنان در تشریح و تطبیق آن تبیین نماید. به منظور مبارزه با فقر و انکشاف فرصتهای اقتصادی که جانشین زرع خشخاش خواهد شد، این پلان را با منابع بودجوی کافی حمایت نماید؛

(ب) در برنامه ها و فعالیت های وزارت انکشاف دهات دور نمای جندر را شامل سازد؛

(ج) اقدامات را اتخاذ نماید تا مطمئن گردد که زنان روستایی تصمیم گیرندگان و مستفیدین مؤثر برنامه ها و تسهیلات قرضه اند؛

(د) تلاشهای خویش را برای پاسخگویی به نیازمندی های زنان روستایی و فراهم ساختن دست رسی بهتر آنها به خدمات صحتی، آموزش، آب پاک و خدمات سیستم فاضلاب، زمین های زراعتی و پروژه های درآمد زا، به خرج دهد.

عودت کنندگان مهاجر و زنان و دختران بی جا شده داخلی

۴۰. کمیته در مورد افزایش تعداد بیجاشده گان داخلی بویژه زنان و دختران در دولت عضو و در مورد نیاز به مداخلات دراز مدت - به خصوص جهت تامین خدمات اساسی و محافظت برای آنها - نگران می باشد. علاوه بر آن نگران وضعیت عودت کنندگان است

که اکثر آنها مهاجرین اقتصادی بوده و به خاطر نبود فرصت های در آمد زایی و دست رسی به خدمات اساسی مجبور به مهاجرت شدند.

۴۱. کمیته از دولت عضو مصرانه می خواهد که:

(أ) پالیسی بیجاشدگان داخلی را تصویب نموده و از تطبیق کامل آن اطمینان حاصل نماید؛ و برای رسیدگی به نیازمندی های افراد بیجاده شده داخلی به خصوص زنان و دختران مداخله دراز مدت نماید؛

(ب) اطمینان حاصل نماید که مهاجرین عودت کننده به ویژه زنان و دختران به خدمات صحی، آموزش، غذا، سرپناه، آزادی گشت و گذار و فرصتها دست رسی داشته باشند تا عدالت و راه حل های پایدار تأمین گردد؛

(ج) کنوانسیون ۱۹۵۴ راجع به وضعیت افراد بی دولت و کنوانسیون ۱۹۶۱ راجع به کاهش بی دولتی را تصویب نماید.

ازدواج و روابط خانوادگی

۴۲. کمیته نسبت به موجودیت چندین سیستم حقوقی در مورد ازدواج و روابط خانوادگی و تأثیرات تبعیض آمیز آنها بر زنان در دولت عضو نگران می باشد. کمیته نگران است که باوجود اصلاحات در قانون احوال شخصیه اهل تشیع، هنوز احکام تبعیض آمیز، مانند الزامی بودن اجازه شوهر برای خروج زن از منزل، در آن وجود دارد. همچنان نگران احکام تبعیض آمیز در قانون مدنی و هنجارهای رفتاری از قبیل قیمومت قانونی مرد بر زن و اطفال شان، می باشد. کمیته نگران نابرابری و محدودیت زن در طلاق دادن و در برخورداری از حق ولایت بر فرزندان خویش در قانون مدنی نیز می باشد. همچنان نگران است که زنان از حق میراث به دلیل نقش ثانوی در جامعه و حاکمیت مردان در خانواده محروم می گردد. کمیته نگران سطح پائین ثبت ازدواجها و طلاقها می باشد که این امر مانع زنان در مطالبه حقوق قانونی شان می گردد. همچنان کمیته نسبت به تداوم ازدواجهای اجباری و زیر سن و نسبت به حد اقل سن ازدواج برای دختران که ۱۶ سال تعیین گردیده است نگران می باشد. همچنان نگران آنست که چند همسری در شرایط معین مجاز دانسته شده است.

۴۳. در مطابقت به توصیه عمومی شماره ۲۱ (۱۹۹۴) و شماره ۲۹ (۲۰۱۳) خویش در باره ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کمیته توصیه می نماید که دولت عضو:

(أ) احکام تبعیض آمیز علیه زنان در قانون احوال شخصیه و قانون مدنی را ملغی نماید؛ و به منظور افزایش سن ازدواج دختران به ۱۸ سال، قوانین مربوطه را تعدیل نماید؛

(ب) اطمینان حاصل نماید که مسوده قانون خانواده حقوق برابر برای زن و مرد را در تمام مسایل ازدواج و روابط خانوادگی تصریح می نماید به خصوص راجع به مسئولیت ها در خانواده، ملکیت و میراث، طلاق و ولایت بر اطفال؛

(ج) کمپاینهای آگاهی دهی را برای زنان جهت آگاه ساختن آنها از حقوق خویش در روابط خانوادگی و ازدواج راه اندازی نماید؛

(د) تدابیری را برای تسهیل طی مراحل ثبت ازدواج ها و طلاق ها اتخاذ نماید؛ اطمینان حاصل نماید که قضایای مرتبط به حقوق خانواده توسط محاکم مدنی یا خانواده به درستی رسیدگی می شوند؛

(ه) تدابیر ضروری قانونگذاری و پالیسی را برای الغای ازدواج های چند همسری اتخاذ نماید.

پروتکول اختیاری و تعدیل ماده ۲۰ فقره ۱ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

۴۴. کمیته دولت عضو را تشویق می نماید که پروتکول اختیاری کنوانسیون متذکره را تصویب نماید و تعدیل فقره ۱ ماده ۲۰ این کنوانسیون را که در باره زمان جلسه کمیته [سیدا] می باشد بدون تأخیر قبول کند.

اعلامیه بیجینگ و پلاتفورم برای عمل

۴۵. کمیته از دولت عضو می خواهد که اعلامیه بیجینگ و پلاتفورم برای عمل را در جریان تلاشهایش برای تطبیق احکام کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مورد استفاده قرار دهد.

اهداف انکشافی هزاره و چارچوب کاری آینده

۴۶. کمیته شمولیت دورنمای جندر را مطابق به احکام این کنوانسیون در تمام تلاشها برای حصول اهداف انکشافی هزاره و همچنان در چارچوکات انکشاف جدید از ۲۰۱۵ به آنسو، در خواست می نماید.

همکاری های تخنیکی

۴۷. کمیته توصیه می نماید که دولت عضو از کمک های بین المللی به شمول کمک های تخنیکی برای انکشاف یک برنامه جامع جهت تطبیق توصیه های فوق الذکر و همچنان کنوانسیون در کل، استفاده نماید. کمیته همچنان از دولت عضو می خواهد که همکاری های خویش را با نهاد ها و برنامه های تخصصی سازمان ملل متحد در مطابقت به چارچوب همکاری های انکشافی ملل متحد (UNDAF) و چارچوب حسابدگی دوجانبه توکیو افزایش دهد.

نشر

۴۸. به منظور تطبیق کامل ملاحظات نهایی، کمیته انتشار به موقع آنرا به زبانهای رسمی دولت عضو به تمام ادارات مربوطه دولت در تمام سطوح (مرکزی، منطقوی و محلی) به ویژه به حکومت، وزارت خانه ها، ولسی جرگه و مشرانو جرگه، و قوه قضائیه درخواست می نماید. کمیته دولت عضو را تشویق می نماید که با تمام جوانب ذیدخل مانند نهاد های حقوق بشری، نهادهای زنان، پوهنتونها، مراکز تحقیقاتی، مطبوعات وغیره، همکاری نماید. به علاوه، کمیته توصیه می نماید که ملاحظات نهایی آن به شکل درست آن در سطح جوامع محلی نشر گردد تا تطبیق آنها را میسر گرداند. علاوه بر آن کمیته از دولت عضو درخواست می نماید که به نشر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پروتکول اختیاری و ماهیت حقوقی آن، و توصیه های عمومی کمیته برای تمام جوانب ذیدخل اقدام نماید.

پیگیری توصیه های نهایی

۴۹. کمیته از دولت عضو درخواست می نماید که در ظرف دو سال راجع به اقدامات متخذة برای تطبیق توصیه های مندرج در پاراگرافهای ۱۱ و ۲۳ در فوق، معلومات تحریری ارائه بدارد.

آمادگی برای گزارش بعدی

۵۰. کمیته از دولت عضو دعوت می نماید که گزارش دوره سوم را در جولای 2017 تقدیم نماید.

۵۱. کمیته از دولت عضو درخواست می نماید که " رهنمود منسجم راجع به گزارش دهی در معاهدات بین المللی به شمول رهنمود درباره سند محوری مشترک و اسناد مختص به هر معاهده " (HRI/MC/2006/3 and Corr.1) را رعایت نماید.